آیت ماندگار

- دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۳
- نیمه دوم مهر ۱۳۹۴
- سال اول

- هشت صفحه
- قیمت: ۵۰۰ تومان
- No.3 Second Half of Oct.2015
- ayatemandegar@yahoo.com

ayatemandegar
biweekly

آیا ایرانیان مرده پرست شده اند؟

بازی در زمین مردگان!

با مطالبی از:

منوچهر طاهایی، مهدی مددکار، علیرضا آقائی راد، امیرحسین بریمانی، رسول عبدیان و ...

۳

پیامدهای بی اخلاقی سیاستمداران

آذر منصوری
فعال اصلاح طلب ۴

تندخوبی های ناشی از بی ادبی

حسین باهر
استاد دانشگاه ۵

یادداشتی از امیرحسین مصلی:

چرا مداحان حرف مراجع را نمی خوانند؟

۸

آیت ماندگار بررسی می کند:

ادب مرد یا دولت او؟

با آثار و گفتاری از:

ابوالفضل زاهدی پور
امیرمهدی جلایری
محمدآزاد جلالی زاده
و...

۴و۵و۸

سرمقاله

اخلاق، دین مشترک جهان آینده

مهدی آیتی
مدیرعامل کانون تدبیر و توسعه

در ادیان بزرگ جهانی چه آنها که خود را الهی و آسمانی می دانند مانند سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهود و چه آنها که خود را زمینی و حکیمانه می نامند مثل زرتشت، هندو، بودا و کنفوسیوس همگی بر پایه اندیشه های اخلاقی، انسانی و وجدانی شکل گرفته و متبلور شده اند. شاید بهترین تعبیر از این موضوع فرمایش پیامبر اسلام(ص) است که می فرماید: «اِنّی بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکَارِمَ الأَخْلَاق: من برای رشد و تعالی و کمال اخلاق مبعوث شده ام.» هرچند که ممکن است در باب اخلاق تفاوت های نظری و نگرشی فراوانی وجود داشته باشد اما اگر نبود مشترکات مطلوب انسانی و وجدانی شاید هرگز قوانین حقوق بشر و دموکراسی بوجود نمی آمد. آنچه بعضی از صاحب نظران از دین آینده جهان می گویند این است که: «جهان پس از گذار از دوران سکولاریسم(غیردینی) و لائیسم(ضددینی) ناچاراً روزی به سوی یک دین واحد گرایش پیدا خواهد کرد که به احتمال زیاد این دین همان اخلاق انسانی و جهانی خواهد بود.» اگر امروز پدران و مادران، نگران نوعی بی دینی و بی تفاوتی در بین فرزندان خود هستند و این امر در تمام دنیا فراگیر شده است اما آنچه دانشمندان علوم الهی و انسانی را امیدوار کرده این است که بالاخره دنیا روزی به سمت دین گرایی آن هم از نوع اخلاق گرایش پیدا خواهد کرد، زیرا بدون اخلاق اداره دهکده جهانی بعید است قابل انجام باشد و اگر این نظریه درست باشد بایستی چنین نتیجه بگیریم که در آینده نه چندان دور، حکومت ها و سیاستمداران نخواهند توانست بدون اخلاق سیاسی بر ملت ها حکومت کنند و حکومت های غیراخلاقی محکوم به شکست خواهند بود.

یادآوری

کندوکاو شفیعی کدکنی در شعر حافظ

در بخش مقالات کتاب «این کیمیای هستی» که ولی!... درودیان آن را گردآوری کرده است پرسش اصلی دکتر شفیعی کدکنی این است که آیا می‌توان تلقی حافظ از هنر شعر را در دوره‌های زندگی ادبی او شناسایی و دسته‌بندی کرد؟ ...

۸

نگاه

چرایی ادبیات ناشایست در سیاست

تذکر یک رفتار بی ادبانه به یک دوست، عضو خانواده و یا همکار می تواند یک اقدام چالش برانگیز باشد. متاسفانه حتی در شرایط و موقعیت های حرفه ای این موضوع نسبتا متداول است که ما در معرض اهانت و بی حرمتی از طرف یکی از همکاران یا اطرافیان قرار گرفته اما روش درست برخورد را نمی دانیم. گاه واکنش افراد، عصبانیت افراطی و ابراز اهانت و بی حرمتی بیشتر به طرف مقابل است و گاه با سکوت و عبور از این موقعیت ناراحت کننده مواجه هستیم که مسلما هر دو این واکنشها غیر منطقی و مغایر با اصول ارتباطی است. وقتی که با بی ادبی مواجه می شویم نکته مهم این است که به یاد داشته باشیم جرات تکرار این کار را به بقیه ندهیم. به هر حال، شما حق دارید که مدعی شوید و نادرست و غیر قابل تحمل بودن وضعیت موجود را بیان کنید ویژه اگر این بی نزاکتی یک مشکل مداوم و در حال پیشرفت باشد.

■ بی ادبی نمادی از خود نمایی و ابزار قدرت

روح انگیز لطیفی جامعه شناس معتقد است که بد دهنی امری اکتسابی است که فرد آن را از خانواده و محیط اجتماعی کسب نموده و می‌تواند موجب بروز آسیب‌های اجتماعی شود. وی در همین رابطه ادامه می دهد: گاهی برخی از افراد در مواجه با معضلات و مشکلات روزمره از کلماتی استفاده می‌کنند تا بتوانند به وسیله آن به تخلیه روانی دست یابند. این در حالی است که در اغلب موارد با معنی این جملات آشنا نیستند. لطیفی می افزاید: بد دهنی برای برخی از افراد نمادی از خود نمایی و ابزار قدرت بوده و معمولا در میان مردها شایع تر است که از آن برای ابراز هویت مردانه خود استفاده می‌کنند. یعنی بد دهنی می‌تواند در افرادی که دچار شکست عاطفی و یا به احساسات آن‌ها خدشه وارد شده است، شایع باشد و این امر ریشه فرهنگی داشته و نباید در مقابل آن ها یاداشی داده شود. وی با اشاره به اینکه بد دهنی در خانم‌ها می‌تواند موجب آسیب رساندن به پیکر خانواده و تربیت فرزندان شود، اظهار دارد: اغلب خانم‌ها بعد از بد دهنی دچار احساس گناه و پشیمانی می‌شوند و این امر می‌تواند رسالت مادری آن‌ها را به خطر بیاندازد. وی در انتها نیز خاطرنشان می کند: عدم پاداش به افراد بد دهن و فرهنگ سازی در این زمینه می‌تواند در کاهش بد دهنی افراد نقش مهمی را ایفا نماید.

■ سیاست در اخلاق

در همین باب اگر گستره ادب و اخلاق را در حوزه سیاست بررسی کنیم حمیدرضا جلایی‌پور معتقد است که: رعایت اخلاق در دنیای سیاست، دو دیدگاه نظری دارد. دیدگاه اول می‌گوید: سیاست عالم قدرت است و حرف آخر را قدرت می‌زند و نه اخلاق. اما دیدگاه دوم می‌گوید: سیاست هم شبیه بقیه عوالم باید پایبند به اخلاق و رعایت اصول باشد و نباید حد و مرزها را بشکند و خارج شود. وقتی نیروهایی با ادعای مکتبی و با ادعای اصالت، حرف‌هایی رکیک و ناشایست می‌زنند، در واقع می‌خواهند نشانه‌ای از برحق بودن خود بدهند. اینچنین است که دست به بی‌اخلاقی می‌زنند و با حرف‌های نامناسب صدای اعتراض خود را به گوش می‌رسانند. چنین افرادی در عالم سیاست، چون اخلاق را خنثی می‌دانند، برای رسیدن به خواستها و مقاصد سیاسی خود دست به هرکاری می‌زنند و ممکن است از بی‌اخلاقی‌هایی مثل حرف های نامناسب به واکنش‌های عملی و برخوردهای بدنی هم برسند. چنین رفتاری، ناخوشایند است و چنین نگاهی به سیاست و عدم رعایت اخلاق نگاهی آسیب‌رسان و نادرست. چون زمانی که مردم با این رفتارها مواجه می‌شوند و می‌بینند که در عالم قدرت، کسانی دست به بی‌اخلاقی می‌زنند، اعتقاد خود را به رعایت اخلاق در جامعه از دست می‌دهند. سالم، جامعه‌ای است که سیاستمدارانش، حساس‌تر و وظیفه‌شناس‌تر از شهروندان آن جامعه نسبت به اخلاق و رعایت اصول اخلاقی واکنش نشان می‌دهند و اخلاق را در سیاست رعایت می‌کنند. در چنین جامعه‌ای اصول اخلاقی از بالا به پایین تزریق می‌شود و دروغ، فساد، بی‌اعتماد و آسیب‌هایی اجتماعی از این دست، کم‌رنگ می‌شود. عالم سیاست باید با اخلاق همراه باشد و نمی‌توانیم اخلاق را از سیاست جدا بدانیم.

نگاهی دیگر به یک مصافحه

دلواپسان از نقد تا بد دهانی!

گزارش

گروه سیاسی

به گواه کارشناسان امر تیم مذاکره کننده هسته ای در عین حال که مجرب ترین تیم دیپلماتیک ایران است، بی هیچ مبالغه ای، مظلوم ترین نیز هست. از یک سو، باید در برابر شش تیم قدرتمند دنیا که یکی از دیگری قلدرتر و زیاده خواه تر است روز و شب مذاکره و مبارزه کنند و وقتی خسته از نبرد دیپلماتیک برای تازه کردن نفس به کشورشان بر می گردند، عده ای دلواپس که حتی کلمات مربوط به امور هسته ای را بلد نیستند درست ادا کنند، انواع و اقسام توهین ها و بی ادبی ها را نثارشان می کنند تا بدان جا که رهبر انقلاب، صریحاً از آنها می خواهد توهین را کنار بگذارند.

■ مناظره ای مجازی از مصافحه تا آیفون!

به طور مثال پس از انتشار خبر بدون عکسی از مصافحه دکتر ظریف و رئیس جمهور آمریکا که از طرف یک رسانه خارجی نقل شد، باعث واکنش‌های بسیاری از سوی دلواپسان داخلی شد. آنها که از هر حربه‌ای برای به چالش کشیدن دولت استفاده می‌کنند، این قضیه را دستمایه جنجال تازه قرار دادند.

در اولین واکنش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در پستی اینستاگرامی زمین را به آسمان دوخته و این مطلب را نوشته است: «سال گذشته خلیج فارس و کری بدون هیچ قصد قبلی در برابر دوربین های بین المللی به طور اتفاقی در خیابان قدم زدند؛ امسال هم ظریف با اوباما به طور اتفاقی برخورد کرد، دست داد و احوالپرسی کرد. تاریخ پر است از این اتفاقات اتفاقی! تاریخ را بخوانید، عده‌ای بعد از ارتحال رسول خدا به طور اتفاقی غدیر خم را فراموش کردند؛ عده‌ای از فرماندهان لشکر امام حسن(ع) وقتی برای آخرین خداحافظی به خانه رفتند، به طور اتفاقی دیگر بیرون نیامدند و امام شان را تنها گذاشتند؛ عده‌ای هم به طور اتفاقی در حادثه عاشورا به لشکر یزید پیوستند. تاریخ پر است از این اتفاقات اتفاقی! باور نمی کنید، تاریخ را ورق بزنید و البته جالب اینجاست که به طور اتفاقی، هیچ یک از اینها به گندم ری نرسیدند. چطور می‌توان اتفاقی با اوباما برخورد کرد، دست داد و احوالپرسی کرد اما نمی‌توان به طور اتفاقی راه را کج کرد، به طور اتفاقی نمی‌توان دست نداد و به طور اتفاقی نمی‌توان دشمن این ملت را جسورتر نکرد؟!

آقای ظریف فقط وقتی برگشتی، دستت را به سوی دستان رهبری که با بمب دست ساز همان آمریکایی‌ها به درجه جانبازی رسیده، دراز نکن. همین»

اما محمدعلی آهنگران فرزند صادق آهنگران در پستی اینستاگرامی پاسخ جالبی به حمید رسایی داد. در این پست که با انتشار عکسی از حمید رسایی در حالی که گوشی ایل که به نوعی نشان و نماد آمریکا محسوب می‌شود در دست دارد، نوشت: «حاج حمیدآقای رسایی خطاب به وزیر امور خارجه افاضه فرمودند؛ که: آقای ظریف قطعه وقتی برگشتی، دستت را به سوی دستان رهبری که با بمب دست ساز همان آمریکایی ها به درجه جانبازی رسیده، دراز نکن. همین.. باید به ایشان عرض کرد جناب رسایی! شما هم که موبایل آیفون ساخت دست آمریکایی ها را در دست گرفته‌ای با رهبری دست نده، همین...»

■ موافقان و مخالفان در مجلس

از سوی دیگر بهرام بیرانوند نماینده مردم بروجرد با صدای بلند در صحن علنی مجلس خطاب به هیئت رئیسه گفت اینها با اجازه چه کسی با اوباما دیدار کردند. دفعه قبل که با اوباما به صورت تلفنی صحبت کردند و با دفعه نیز معلوم نیست ظریف با اجازه چه کسی به بغل اوباما رفته است. بیراوند در ادامه اظهاراتی توهین آمیز خطاب به ظریف بیان آورد که با واکنش ابوترابی مواجه شد. بیراوند گفت: آقای ظریف غلط زیادی کرده که به عنوان وزیر خارجه چنین کاری کرده و دلش خواسته با رئیس جمهور آمریکا دست بدهد! نائب رئیس مجلس پس از دمیدن سخنان ناپسند بیراوند، میکروفن وی را قطع کرده و خواستار رعایت شان وزیر خارجه کشور شد. ابوترابی‌فرد گفت: افرادی چون آقای ظریف در دفاع از انقلاب و رهبری و خون شهدا، غیرت دینی کمتر از بنده ندارند.

وی افزود: ممکن است ایشان براساس تصمیمی اقدامی کرده باشند که مورد نقد بنده، شما و بسیاری از دوستان باشد اما این بدان معنا نیست که انسان و افرادی که در تاریخ زندگی‌شان خدمت به انقلاب، امام و رهبری انقلاب را نشان داده‌اند، با ادبیاتی که شایسته نیست مورد نقد قرار دهیم.

اما از طرف دیگر رییس کمیسیون ویژه برجام با اشاره به دست دادن آقای ظریف با اوباما گفت: این اقدام غیرقابل توجیه و مستحق برخورد جدی است و مجلس در این زمینه کوتاه نخواهد آمد. علیرضا زاکانی افزود: دست دادن آقای ظریف با اوباما مصداق بارزی از زمینه سازی عامدانه یا جاهلانه برای نفوذ سیاسی دشمن در شرایط پسابرجام و خطایی نابخشودنی است و مایه تأسف است که وزیرخارجه ما که باید نخستین سنگر در برابر نفوذ سیاسی استکبارجهانی باشد خود دست به تابوشکنی بزند و دست شیطان بزرگ را بفشارد. در طرف مقابل علی مطهری نیز در حاشیه نشست علنی مجلس شورای اسلامی در جمع خبرنگاران با انتقاد از حواشی ایجاد شده در خصوص دست‌دادن وزیر امور خارجه با رئیس جمهور آمریکا اظهار داشت: قطعاً دست دادن با مقام‌های کشورهای جهان ایرادی ندارد و مسئولان ایران تنها نباید با مقام‌های رژیم صهیونیستی دست بدهند و ملاقات کنند و دیدار با مقام‌های دیگر کشورها ایرادی ندارد. وی افزود: گاهی ممکن است مجبور شویم با دشمنمان هم دست بدهیم و بر سر منافعمان با او مذاکره کنیم. به نظرم دست دادن با دست ندادن مهم نیست؛ بلکه مهم این است که بر اصول خود پایبند باشیم. نماینده مردم تهران در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران در خصوص اهانت یکی از نمایندگان به وزیر امور خارجه در صحن علنی مجلس یادآور شد: بی‌شک توهین به افراد توهین کنیم. ما حق نداریم و نباید به کسی توهین کنیم. باید از نمایندگی که بی‌احترامی کرد پرسید که چرا فردی را که رهبری مورد اعتماد و متدین می‌داند بی‌غیرت خطاب می‌کنند؟ ضمن آنکه دست دادن با اوباما نیز دلیل نفوذ آمریکا در ایران نیست. وی در پاسخ به سوال دیگری به این مضمون که آیا غرب ازطریق همین ارتباط‌ها به دنبال نفوذ در کشور نیست، خاطرنشان کرد: اینها دلیل بر نفوذ نیست و به نظر می‌رسد طرح این مسائل با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد. ما برای مقابله با نفوذ غرب نیاز به شعارهای واهی نداریم. به نظرم این افراد به دنبال تضعیف دولت هستند و بعید می‌دانم دولت جمهوری اسلامی ایران مواضعی داشته باشد که منجر به نفوذ غرب در کشور شود.

■ ادب و فرهنگ اسلامی

در همین رابطه استاد حوزه علمیه قم گفت: در مساله برخورد رییس جمهور آمریکا و وزیر خارجه ایران، امر بین رعایت ادب اسلامی و بی ادبی دایر بود ولی دکتر ظریف به عنوان یک فرد مسلمان، رعایت ادب و فرهنگ اسلامی را کرد. حجت الاسلام محسن غرویان خاطرنشان کرد: در فقه، اخلاق و فرهنگ اسلامی بی ادبی نسبت به کسی حتی دشمنان و غیرمسلمانان مجاز نیست.

وی ادامه داد: وقتی قرآن کریم می فرماید: شما معبودهای غیرمسلمانان را لعن نکنید و یا دیگران را مورد بی ادبی قرار ندهید ، معلوم می شود ما به طور مطلق، اجازه بی ادبی حتی نسبت به غیرمسلمانان را نداریم. استاد حوزه علمیه قم گفت: در مواجهه آقای ظریف و اوباما امر دایر بود بین اینکه یا باید ادب اسلامی را رعایت می کردیم و یا بی ادبی را، دکتر ظریف به اقتضای ادب اسلامی تشخیص داد که به وی دست بدهند و رد شوند و کار ایشان هم اشکالی ندارد. غرویان گفت: اگر دکتر ظریف غیر از این اقدام،کار دیگری انجام می داد مصداق بی ادبی بود و ما در اسلام کار خلاف ادب نداریم. استاد حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: مواجهه ما با آمریکا دو سال است که ادامه دارد آقای ظریف هم با منطق اسلامی و تاییدات رهبری تاکنون در مذاکرات برخورد کرده و با منطق و استدلال دفاع کردند، اگر می خواهیم نگاه ادب اسلامی را نسبت به استکبار بسنجیم باید از دو سال مذاکره به دست بیاوریم نه از یک دقیقه مواجه با اوباما.

وی ادامه داد: کسانی که انتقاد می کنند ظلم می کنند و انصاف را رعایت نمی کنند و قطعا باید پاسخگوی این ظلم و بی انصافی خود باشند. غرویان گفت: ظریف به صورت مکرر مورد تایید رهبری قرار گرفته و کسانی امروز با ادبیات سخیف برخورد می کنند بیشتر ناشی از حسادت هایی است که از نفسانیات آنها برمی خیزد و دنبال عقده گشایی هستند. غرویان یادآور شد: جنبه دیگر اینکه این افرادی که به خاطر دست دادن آقای ظریف و اوباما اینگونه سر و صدا می کنند دنبال شهرت هستند و متاسفانه با ادبیات سخیف با شخصیت محبوبی مانند دکتر ظریف برخورد می کنند، آنها می خواهند با این کارها توجه افکار عمومی را به خود جلب کنند ولی نتیجه نمی گیرند.

■ زست های ضد آمریکایی!

احمد شیرزاد، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی هم، پیرامون انتقادات جریان تندرو نسبت به دست دادن و احوالپرسی محمدجواد ظریف به باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا گفت: این موضوع برای من قابل درک نیست که این مخالفت ها از چه جریان و مبنایی شکل می گیرد و از همه مهمتر چه منافعی را برای کشورمان به ارمغان می آورد! این موضوع برای من مجهول است که تا چند سال یا چند صد سال دیگر مقامات آمریکایی را به عنوان دشمن سرسختی که باید از آن ها فاصله گرفت، تلقی کنیم. البته ما طرفدار مقامات آمریکایی نیستیم اما آمریکا به عنوان کشوری مستقل در دنیا منافع خاصی دارد که ممکن است آن منافع با منافع ایران مشترک یا در تضاد باشد. به گفته شیرزاد، زست های ضد آمریکایی و امپریالیستی که این جریان تندرو به خود گرفته اند به گذشته، پیشینه و رفتارهای این افراد همخوانی ندارد و به نظر می این رفتارها نوعی دکان سیاسی برای مخالفان و منتقدان محسوب می شود. او تأکید کرد: اگر به افراد جریان تندرو سیاسی پیشنهاد اعطای ویزای آمریکایی شود یا اینکه بگویند فرزندانتان در دانشگاه های آمریکا تحصیل کنند هیچ مخالفتی نمی کنند و به این پیشنهاد دست رد نمی زنند. زیرا من بر اساس تجربه می گویم خیلی از افرادی که ضد آمریکایی دو آتیشه بودند هر کجا که منافع شخصی آن ها اقتضا کند رنگ عوض کرده و از آن منافع برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده می کنند. شیرزاد تصریح کرد: رفتارهای وزیر امور خارجه کشورمان بر اساس منش های دیپلماسی شکل گرفته است و تمام دیپلمات های دنیا طبق وظیفه ،رفتاری، سیاسی و دیپلماسی رفتار می کنند و اقدام محمدجواد ظریف کاملا به جا و درست بوده است. او به واکنش های تند جریان افراطی نسبت به این موضوع اشاره کرد و گفت: این افراد توقع دارند که ظریف خودش را از اوباما پنهان می کرد یا در راهرو سازمان ملل در سرویس بهداشتی پنهان می شد تا با او برخوردی نداشته باشد. آیا این رفتارها در شأن یک مقام عالی رتبه دیپلماسی است که بخواهد خودش را از رئیس جمهوری آمریکا پنهان کند و در اتاقی مخفی شود تا با او برخوردی نداشته باشد؟! شیرزاد تصریح کرد: در گذشته هم بعد از تماس تلفنی حجت الاسلام روحانی و باراک اوباما و بعد از آن قدم زدن جان کری با ظریف جریان تندرو همین اظهارات را بیان کردند و جبهه گیری کورکورانه از این در مقابل این رفتارها، منش و عرف سیاسی نشان دادند. به گفته این نماینده ادور مجلس شورای اسلامی، منش های سیاسی جزء خطوط قرمز محسوب نمی شوند چرا که خط قرمز نظام جمهوری اسلامی بی ادبی و بی فرهنگی است. زیرا ایرانیان این رفتارها را از دیپلمات های ایرانی نمی پذیرند. او در پایان گفت: ذهن و افکار جریان تندرو نمی تواند رفتار، منش و عرف سیاسی که از مقامات ایرانی سر می زند را بپذیرد.

نگاه

بازی در زمین مردگان!

رسول عبدیان
روزنامه نگار

هادی رفت به یک دلیل چون وقتش رسیده بود و هرگونه پرسش، پاسخ و چرایی در این مورد با خداست و اوست که می داند چرا هادی؟ چرا مرتضی؟ و چرا علی؟ و ... اما مهم برخورد ما با اینگونه پدیده هاست. هرزگاهی یکی از شخصیت های معروف جامعه که می میرد موجی میان مردم بخصوص در شبکه های اجتماعی و رسانه های مجازی ایجاد می شود که با گذاشتن عکسی از آن چهره معروف و ابراز تاسف شروع می شود و ماجرا تا بت کردن فرد مرحوم ادامه می یابد، او که دستش از دنیا کوتاه است و مشغول حساب و کتاب خویش، اینجا هزاران دایه مهربان تر از مادر پیدا می کند. آنقدر مهربان که عکس جنازه او را روی تخت بیمارستان و لحظه گذاشتن درون قبر منتشر می کنند تا شاید هر لایک فاتحه ای باشد به روح تازه از دست رفته و چندین ماه پس از مرگ آلبومش را روانه بازار می کنند، با قیمتی که بلیط کنسرت مرحوم هم اینقدر نبود!

ریشه این بی اخلاقی ها کجاست؟ چرا واکنش ما به هر پدیده ای رگه هایی از بی اخلاقی دارد و برای اول بودن و دیده شدن دست به هر کاری می زنیم؟ چرا عادت کرده ایم بجای سکوت و نثار فاتحه ای برای عزیزی که از دست داده ایم مرتب با آبروی مرده و خانواده او بازی کنیم و خانواده داغدار را با چالش هایی مواجه کنیم که کلا یادشان برود عزیزی از دست داده اند و به فکر صدور بیانیه و پاسخ به هجمه های رسانه ای شوند؟

حس ترحم به خانوده مرحوم بعضاً شکل افراطی به خود به می گیرد. در موضوع هادی نوروزی شاهد بودیم بسیاری از ابراز تاسف ها نسبت به فرزندان او بود، خدا به بچه هایش رحم کند، مگر بچه هایش چه گناهی کردند و ... همه می دانیم هادی نوروزی در سطح اول فوتبال ایران بازی کرده و قراردادهایی که تا امروز بسته و سرمایه ای که جمع کرده قطعا پس از خودش زندگی خوبی را برای خانوده اش گذاشته، چه بسا در این مملکت کودکانی بسیاری هستند که با رفتن پدر، پشت و پناهشان می رود و خاکریز آخر هم به تصرف دنیای خشن و بی رحم در می آید، آنجا هم صدایی از ما بلند می شود؟ اصلا کنکمان می گزد برای کودکان کار؟ کودکان بی سرپرست؟ کودکان بدسرپرست؟

نقد دیگر بطور کلی به حواشی یک مرگ است و استفاده ابزاری از آن. پولی شدن پارکینگ ورزشگاه آزادی در روز مراسم ختم هادی نوروزی، دعوا بر سر مستند زندگی مرتضی پاشایی میان برخی از نزدیکان وی، انتشار تک آهنگ و آلبوم پس از مرگ مرتضی و داستان تکراری «وعده دیدار ما استادیوم فلان» و دقیقه فلان! خیلی دور نیست آن روزهایی که اسمش که در ترکیب اصلی نبود می گفتیم خداروشکر و اصلا شماره پیراهنش را نمی دانستیم و روزهایی که از روی سکوها فحش خورد نه خودش به تنهایی بلکه به همراه خانواده اش! و این داستان ادامه دارد و ما همچنان زنده ها را فحش می دهیم و مرده ها را می پرستیم!

برای شادی روح همه عزیزانی که از دست داده ایم صلواتی بفرستیم و فاتحه ای نثار کنیم.

خدشه

همه مرده پرست شده ایم!

مهدی مددگار
تهیه کننده سینما

در حوزه سینما، هنرمندان و دیگر عوامل تولید و تدارکات بشدت با مشکلات عدیده مالی و حتی معیشتی روبرو هستند. گاهی هنرمندی یک فیلم بازی می کند و تا یکسال بعد و حتی بیشتر ممکن است بیکار باشد. نیروی تولید و تدارکات هم همینطور. متاسفانه تا به امروز در این راستا هیچ قدمی برداشته نشده است. در هنگامه تولید فیلم سینمایی شهابی از جنس نور در لبنان یکی از عوامل تولید دچار حمله قلبی می شود که می بایستی فورا عمل جراحی شود و اگر آقایان شورجه و برادری نبودند حتما این عزیز فوت می شد، اما بعد در ایران هیچکس از این حرکت انسان دوستانه این بزرگواران تقدیر نکرد و حتی به امروز نیز از پرداخت دستمزد تهیه کننده هم خودداری کرده اند و آنوقت شما از من می پرسید چرا هنرمندان پیشکسوت در وضعیت معیشتی بدی قرار دارند و در زمان حیاتشان کسی به فکر آنان نیست و در هنگام فوتشان همیسته می شویم؟ در این کشور انگار زندگی مرده است! همه ماها مرده پرست شده ایم، هیچکدام حاضر نیستیم فردی، هنرمندی، عزیزی را در زمان حیاتش دستگیری کنیم، آن کسی هم که این کار را انجام می دهد بعدا توبیخ می کنند که چرا می بایستی هزینه عمل جراحی فلان فرد از عوامل تولید را پرداخت کنی؟ آخر مومن اینکه قسمتی از هزینه تولید فیلم در لبنان خرج زنده کردن یک انسان شد چه اشکالی دارد؟ مگر جان ما انسان ها بی ارزش است؟ شما ببینید حتی در توافق سازمان سینمایی و خانه سینما هم جهت بیمه سینماگرها از طریق خانه سینما باعث شد که بسیاری از سینماگرها بیمه هایشان قطع گردد. وقتی جهت گرفتن معرفی به این خانه مراجعه کرده اند می شنوند که سهمیه امان محدود است. شما باید چند سالی صبر کنید! این یعنی چه؟ یعنی شما چند سالی مریض نشوید! البته حرکات خوبی هم انجام شده است، اما در برابر این مشکلات به چشم نمی آید. هر انسانی در هنگام سختی و مصیبت به دستی یاری دهنده نیاز دارد، وگرنه پس از فوت ما هنرمندان مسئولان می آیند و با تلیوت ما عکس یادگاری می گیرند! می خواهم در انتها به یک نکته اشاره کنم: مسئولین ما به فکر گرفتن عکس یادگاری با هنرپیشه ها هستند. آقایان، عوامل پشت صحنه هم هنرمندند با آنها هم عکس یادگاری بگیرید!

خدشه

کاهش شادی در جامعه

موجهرطاهبی
مشاور وزیر صنعت و معدن

در چند سال اخیر بحث مشکلات زندگی برخی از هنرمندان و پیشکسوتان در جامعه بازتاب های گوناگونی داشته است. از سوی دیگر مراسم ختم روزشکاران و هنرمندان فضای جدیدی برای ایجاد همبستگی و حضور مردم بویژه جوانان فراهم کرده است. بروز این گونه موارد می تواند این سوال را مطرح کند که چرا در زندگی اجتماعی ما فضای شادی، تعاون و محبت، کاهش یافته است؟ طبعا پاسخ این پرسش در گرو رفع مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه می باشد.

اما خانواده و آموزش و پرورش در این بین بیشترین تاثیر را در تلطیف فضای جامعه بر عهده دارند. پرهیز از خشونت، راستگویی، نیکی به دیگران، رعایت حقوق مردم و جامعه، ایثار و گذشت باید اصلی ترین آموزه های جامعه باشد و البته این صفات باید در کردار و رفتار مدیران و کارگزاران جامعه تجلی یابد تا سرمشقی برای سایر مردم باشند. در کنار این عوامل باید تقویت تامین اجتماعی و درمانی نیز برای آحاد ملت بویژه پیشکسوتان عرصه علم، هنر و ورزش فراهم شود تا جامعه ای سرشار از امید و مهربانی داشته باشیم.

توصیه به رعایت حقوق دیگران و احترام متقابل و مجادله احسن از ویژگی های ممتاز دین اسلام می باشد. یکی دیگر از آموزه های جدی اسلام، رحمت و مهرورزی میان مسلمانان است ولی متاسفانه خشونت کلامی در چند سال اخیر در جامعه رواج یافته و در زندگی روزمره مردم و کارگزاران جامعه کاملا مشاهده می شود. خطر بزرگ این نوع ادبیات، ایجاد فرهنگ خشونت در جامعه و کاهش آستانه تحمل در بین کارگزاران و مردم می باشد. همه باید سخن حکیمانه جناب شیخ سعدی شیرازی را پذیرا باشیم که فرمود:

دلایل قوی باید و معنوی
نه رگ های گردن به حجت قوی

بهره گیری از دلایل قوی و ادبیات مناسب در دو سال گذشته در عرصه بین المللی دستاوردهای ارزشمندی برای کشور فراهم کرده است که امیدواریم در عرصه داخلی نیز در سال همدلی و همزبانی دولت و ملت برکات فراوانی داشته باشد.

گفتمان

مردمان عزاداری

علیرضا قافی راد
نویسنده و روزنامه نگار

غم و شادی دو سوی زندگی بشرند. هیچ زیستی را نمی توان یافت که همواره و سراسر در شادی باشد و یا یکپارچه در غم. زیست آدمی در تکاپوی خود ملغمه ای است از هر دوی این ها. انسان موجودی است اجتماعی که در همزیستی اش با سایر ابنای بشر در روندی غیرقابل کتمان از اجتماع و افراد حاضر در آن هر روز و چه بسا هر لحظه انرژی های مختلف و متفاوت می گیرد و اصلا بر اساس همین همزیستی و انرژی های رسیده از آن روند زندگی اش شکل می گیرد. در عصر حاضر و به یمن گسترش فناوری های ارتباطی و فضای اینترنت و شبکه های اجتماعی، جهانی که تا چندی قبل می پنداشتیم آن چنان بزرگ است که چرخشی به دورش در ۸۰ روز تنها در حد داستانی تخیلی باقی می ماند، امروز به دقیقه ای ریز و درشت، خوب و بد، زشت و زیبا و شاد و غمگین اش از پیش چشمان ما می گذرد. امروز دیگر کمتر اتفاقی است که در گوشه ای از جهان رخ دهد و به ساعتی نرسیده همه جهان از آن آگاه شوند. این شرایط رویکرد انسان مدرن را به شکل جدیدی از همزیستی و زندگانی تغییر داده. امروز هم محله ای و همشهری و هموطن بود، تنها روابط تاثیرگذار بر زندگی مردمان نیست. در این عصر و دوران پدیده ای جدید به نام هم جهانی انسان ها را در گستره ای به وسعت این کره خاکی به یکدیگر مرتب ساخته است. انسان معاصر در امروز و اکنون جهان، غم و شادی هایش گسترده تر از خویشتن خویش، خانواده، محله یا کشور است. او اکنون از پدیده ها و رخدادهایی در دور دست های محل سکونتش نیز غمگین یا شادمان می شود. آیلان آن پسر دریایی خفته بر ساحل مدیترانه، دیگر نه یک کودک گریخته از ناامنی و جنگ از اهالی ناکجا آبادی در گوشه ای از جهان، که یکی از کودکان جهان است که تا چندی قبل می پنداشتیم آن چنان بزرگ است که چرخشی به دورش در ۸۰ روز تنها در حد داستانی تخیلی باقی می ماند، امروز یک خبر. یک تیتر و یک غم به وسعت این کره خاکی. جهان غمگین او می شود. جهان برای معصومیت و مظلومیت اش اشک می ریزد. جهان همه یکپارچه سیاه پوش آیلان طفل سه ساله مهاجر می شود. و این همان هم جهانی است که این روزها نه مرز می شناسد، نه زبان و نه ملیت. این سویه غمگین هم جهانی است. سویه دیگرش نیز بشر و زلال شادی و شادمانی دارد. اتفاقات خوب، دستاوردهای علمی، ورزشی و فرهنگی و هر حادثه ای که شادمانه باشد و شاد نیز در این هم جهانی امروز، بی مرزترین جنس شادی در تمام طول عمر این کره خاکی است. امروز ما در جهانی زندگی می کنیم که هم غم و هم شادی اش تبدیل به اینی همه شمول شده است. اما در این بین و در این عصر مداوم خبر و حضور توامان غم و شادی در زندگی انسان ها، جامع بسته به هزار و یک دلیل اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و روانی، که جای طرح اش در این مقال نیست، از یکی از این دو بخش زندگی، غم و شادی، بهره های متفاوت می برند. برخی کشورها سعی دارند بر خبرهای خوب و شادی بخش تمرکز بیشتری داشته باشند و از خبرهای غمگین و ناراحت کننده سریع تر عبور کنند. اما در برخی کشورهای دیگر، این تمرکز بر اشاعه خبرهای ناگوار و غمگین نیست. مردم جامعه مختلف نیز چنین اند. برخی از خبرهای تلخ می گذرند و برخی دیگر خود خواسته در جستجوی خبرهای ناگوار می گردند. خبر فتح یک جام ورزشی برای این مردم خبری زودگذر است اما خبر فوت ناگهانی یک ورزشکار، تا ماه ها محل بحث و تیتر اول رسانه ها. کدورت های شخصی مردمان در چنین فرهنگ های غم محوری، در مجالس ختم از بین می رود. اینان به واسطه چنین ازدواج از تقصیرات یکدیگر نمی گذرند، اما به محض آن که خبر فوت کسی را می شنوند، او را حلال کرده و کدورت های شان با وی را فراموش می کنند. مردمان چنین فرهنگ هایی برای غم تقدسی بیش از شادی و برای مرده جایگاه ارزنده تری نسبت به زندگان قائل اند. فرهنگ غم پروری فرهنگی است که بیش از نگره های سیاسی، باید دلایلش را در خرده فرهنگ های جوامع و نگرش مردمانش جستجو کرد. در چنین فرهنگی هر غمگین باشد و از خبرهای غمگین در صدر فروش جدول آلبوم های موسیقی می ایستند، حوادث غمگین و ناگوار همبستگی جمعی بیشتری در آنان برمی انگیزد و در یک کلام، این جوامع در تقابل با شادی، پذیرندگی بیشتری نسبت به غم و خبرهای ناگوار دارند. چرایی این بحث و واکاوی آن نیاز به حضور صاحب نظران در عرصه های مختلف جامعه شناختی، روانشناسی و مردم شناسی دارد. ریشه های تاریخی تمایل به غم در این جوامع باید مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت تاثیر این غم پسندی در سلامت روانی چنین جوامعی مورد بازبینی واقع شود. جوامع غم پسند نمی توانند جوامع سلامت و پویایی باشند. این جوامع به شکلی خود خواسته خویشتن را در معرض اینرژی های منفی غم و سوگواری قرار می دهند و از پی آن احساس لذت و آرامش می کنند. جوامع بیگانه با شادی و خواهنده غم، جوامع ناسامانی از نظر روانی خواهند بود. مردمان سرخورده، که تعالی خود را در غمگین بودن خود می بینند و هر حادثه ناگوار و غمناکی را به پای رنج و احترام خود در نزد خالق خویش می نهند. جوامع شادی های انفرادی و عزاداری های عمومی!

ترانه های غمگین در صدر فروش جدول آلبوم های موسیقی می ایستند، حوادث غمگین و ناگوار همبستگی جمعی بیشتری در آنان برمی انگیزد و در یک کلام، این جوامع در تقابل با شادی، پذیرندگی بیشتری نسبت به غم و خبرهای ناگوار دارند. چرایی این بحث و واکاوی آن نیاز به حضور صاحب نظران در عرصه های مختلف جامعه شناختی، روانشناسی و مردم شناسی دارد. ریشه های تاریخی تمایل به غم در این جوامع باید مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت تاثیر این غم پسندی در سلامت روانی چنین جوامعی مورد بازبینی واقع شود. جوامع غم پسند نمی توانند جوامع سلامت و پویایی باشند. این جوامع به شکلی خود خواسته خویشتن را در معرض اینرژی های منفی غم و سوگواری قرار می دهند و از پی آن احساس لذت و آرامش می کنند. جوامع بیگانه با شادی و خواهنده غم، جوامع ناسامانی از نظر روانی خواهند بود. مردمان سرخورده، که تعالی خود را در غمگین بودن خود می بینند و هر حادثه ناگوار و غمناکی را به پای رنج و احترام خود در نزد خالق خویش می نهند. جوامع شادی های انفرادی و عزاداری های عمومی!

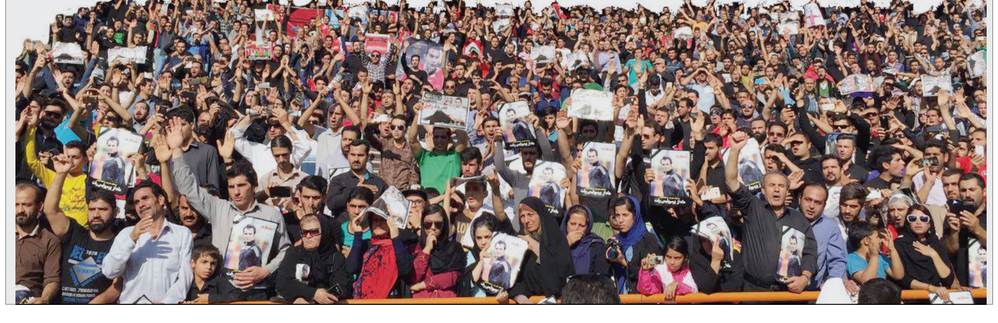

نظرگاه

عوام زدگی و مرده پرستی

امیرحسین بریمانی
نویسنده

رخدادهای جوامع، همواره واکنش فردی و جمعی افراد را در بر دارد. رخدادهایی که در سطح جامعه اتفاق افتاده، ناخواسته قشر خاصی را مورد هدف گیری عاطفی قرار می دهد. به طور کلی رخدادها در سطوح مختلفی امکان نفوذ و به اقشار مختلف تسری می یابند. در این میان می توان واکنش های کاملا متفاوت و متناقضی را از افراد جامعه در تقابل با یک سوژه فرهنگی مشاهده کرد. به زعم بنده نمی توان افرادی را ذیل عنوان «کاربران فرهنگی» متصور شد. چرا که در اینصورت فرد مختص به یک کلان روایت جمعی خواهد بود که در عصر امروزه عملا نامسکن است. چراکه فرد در حوزه هایی فعالیت می کند که مجموع این حوزه هایی که فرد کاربر آن است، به یک کلان روایت پیوسته نمی شود و این دال بر تکثر سلیقه فردیست. به مصداق های عینی که ببایید، آیا جوانانی مشترکا هم در مراسم سوگ مرتضی پاشایی و هم احمد شامل

منتقد

پیامدهای بی اخلاقی سیاستمداران

لاله منصوری
فعال اصلاح طلب

از ویژگی های جریان های سیاسی تاثیرگذار که زمینه اقبال عمومی را به آنان فراهم می کند، رعایت اصل مهم ارزش های انسانی است. در واقع توجه به این ارزش ها و رعایت آنها در رفتارهای هر جریان سیاسی، جایگاه مدافعین و منتسبین این جریان را نه تنها در سپهر سیاسی، بلکه در سپهر اجتماعی و فرهنگی نیز تقویت می کند. در دنیای امروز و در شرایطی که در برخی موارد اصل اخلاق از جانب سیاستمداران زیر پا گذاشته می شود علی القاعده باید تاکید بیشتری روی این مسئله و الزامات آن صورت گیرد. به نظر می آید در جوامعی که مسیر توسعه یافتگی را به درستی طی کرده اند، توجه و اولویت دادن به اخلاق اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به عنوان مثال وقتی روشن می شود مسئولی مبلغ قبض تلفن شخصی خود را از منابع دولتی پرداخت نموده است، آن فرد برای جبران مافات استعفا می دهد. این به معنی آنست که کارگزار مربوطه در مقام مسئولیت باید بیشترین صیانت را از اموال عمومی و بیت المال داشته باشد. به طور قطع در جریان ها و احزاب سیاسی نیز این ارزش های انسانی و توجه و رعایت این ارزش هاست که زمینه اقبال و اعتماد شهروندان را ایجاد می کند. به بیان دیگر اگر ارزش های یک جریان سیاسی که می خواهد در سپهر عمومی جامعه خود جایگاهی پیدا کند اگر تعریف روشن و معیارهای مشخصی نداشته باشد، این اعتماد شکل نخواهد گرفت. این ارزش ها در سه سطح قابل ارزیابی است.

۱- ارزش های حیاتی که شامل زنده بودن، زنده ماندن و مطابق شان انسانی زندگی کردن است.

۲- ارزش هایی چون انسانیت، محبت، الفت و دوستی، راستگویی و صداقت، امانت داری نسبت به مردم و جامعه ای که با آن مواجه هستند.

۳- ارزش های عالی که چیزی جز تلاش برای تحقق خواست و مطالبات مردم و در نهایت رضایت شهروندان نیست.

در جامعه ایرانی که تلفیقی از فرهنگ ایرانی و آیین و رسم مسلمانی است و اخلاق و توجه به ارزش های انسانی از ویژگی های بارز آن است، از یک سو در فرهنگ دیرین ایرانی رعایت اصول اخلاقی مورد تاکید است و از سوی دیگر دین مبین اسلام تاکید بر کرامت انسان دارد. قاعدتا رعایت اخلاق و حفظ ارزش های انسانی اولین ویژگی است که جریان های سیاسی باید به آن پایبند باشند. به خصوص جریان های سیاسی که ادعای اداره جامعه را نیز دارند. عدم رعایت این اصول توسط این جریان ها، به طور قطع بر ترویج بی اخلاقی ها و بد اخلاقی ها در فضای عمومی کشور دامن می زند. نمونه هایی از این دست نیز بوده اند و هستند که در عالم سیاست، رسیدن به هدف، توجیه گر بکارگیری هر وسیله ای برای تحقق آن است. این نوع عملکرد نه تنها خسارات مادی برای کشور به همراه دارد بلکه آثار و عواقب فرهنگی و اجتماعی آن تا مدت ها جامعه ایرانی را با خود درگیر خواهد کرد. جامعه ای که باید اخلاق مداری و قوت گرفتن ارزش های انسانی نماد بارز آن باشد.

لشاره

بنیان های اخلاق سیاسی از دیدگاه امام خمینی

رضا تابش مولف مقاله بنیان های اخلاق سیاسی در چکیده مقاله، هدف از نگارش آن را اینگونه بیان می کند: اخلاق و سیاست از مفاهیم عمده در حوزه فلسفه سیاسی است که از دیرباز ذهن بسیاری از متفکران را به خود مشغول کرده است. امام خمینی (ره) از جمله اندیشمندان و عالمانی است که تأملاتی عمیق هم در زمینه اخلاق و هم در حوزه سیاست داشته است. از این رو، هدف اصلی در این مقاله بررسی ارتباط اخلاق و سیاست از منظر ایشان می باشد. مفروض اصلی مقاله حاضر این است که از دیدگاه امام خمینی (ره) میان اخلاق و سیاست رابطه تعاملی به معنای تأثیر و تأثر متقابل برقرار است. بر این اساس می توان ادعان نمود که میان اخلاق و سیاست، رابطه تداول وجود دارد، به عبارت دیگر، اخلاق سیرت سیاست و سیاست صورت اخلاق است. در همین راستا، دیدگاه های عام و رایج در قبال اخلاق و رابطه اخلاق و سیاست مورد مداقه قرار گرفته و دیدگاه امام خمینی (ره) در این حوزه بررسی شده است.

چرا ادب مرد به ز دولت اوست؟!

اخلاق، حلقه گمشده دستان سیاست

روزنورو
بهنا فشخامی
خبرنگار

حدود شش سال قبل و در کش و قوس‌های دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بود که برای نخستین بار حین مناظره‌های انتخاباتی جمله ای به میان آمد که خیلی‌ها بعدتر، بی به درستی و واقعیت آن بردند. «ادب مرد به ز دولت اوست.» جمله‌ای که در اوج بی‌اخلاقی‌های سیاسی برخی مدعیان اخلاق مدار در جامعه باعث شد تا بار دیگر موضوع «اخلاق حلقه گمشده سیاست کشور» مورد بحث و بررسی کارشناسان قرار بگیرد. هرچند طی سالهای گذشته با ظهور تندروها، مردم بیش از پیش با رواج این نوع بی‌اخلاقی‌های سیاسی و همچنین ادبیات همراه با توهین و تمسخر برخی رجل سیاسی در کشور آشنا شده‌اند اما متاسفانه در دهه اخیر برخی به بهانه شفافیت و شجاعت همراه با ادبیات پوپولیست و همچنین همراه با قانون گریزی، باعث تضعیف اخلاق‌گرایی در جامعه شده و با بداخلاقی‌های مداوم زمینه قانون‌شکنی را افزایش داده اند. تا جایی که قبح برخی واژه‌های کوچه بازاری به پشت تریبون مجلس و یا نشست های سیاسی آمد تا باعث مشروعیت بخشیدن به آن واژه‌ها در جامعه شود.

جامعه ایی که همواره از اخلاق به عنوان اصلی ترین پایه نظام جمهوری اسلامی ایران از آن یاد شده و رهبری انقلاب بارها در سخنرانی‌های خود با اشاره به آن اظهار کردند: «اساس کار، اخلاق است، همه این‌ها مقدمه اخلاق حسنه است -بعثت لاتمم مکارم الاخلاق- حکومت اسلامی برای این است که انسان‌ها در این فضا تربیت بشوند، اخلاق آن‌ها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیک‌تر بشوند و قصد قربت کنند. سیاست هم قصد قربت لازم دارد، مسایل سیاسی هم قصد قربت لازم دارد؛ آنکه در مسایل سیاسی چیزی می‌گوید و آنکه چیزی می‌نویسد، آنکه تحلیل می‌کند و آنکه تصمیم می‌گیرد، بایستی بتواند قصد قربت کند. قصد قربت چه زمانی است؟ آن وقتی است که انسان مطالعه و بررسی کند، ببیند رضای خدا در این کار هست؟ اگر رضای خدا را در این کار دیدید، می‌توانید قصد قربت کنید.»

■ **اخلاق سیاسی در حکومت داری**

همانطوریکه بسیاری از کارشناسان امر اعتقاد دارند اخلاق و ادبیات سیاسی دو مقوله جدا نشدنی در حیطه سیاست و حکومتداری است. در برخی نظام‌های سیاسی همچون جمهوری اسلامی ایران، اخلاق و ادبیات سیاسی به واسطه آرمان‌ها و اصول اساسی و نهادینه شده، برجستگی و اهمیتی چشمگیر دارد. در سال‌های پس از انقلاب، ادبیات پیراسته و ویژگی‌های اخلاقی سیاستمداران از مهم‌ترین شاخص‌های ارزشگذاری آنان بوده است؛ تا جایی که به عنوان مثال همواره از برخی سیاستمداران ابتدای انقلاب به عنوان اساتید بی تکرار دنیای سیاست توامان با خوش اخلاقی و ادب و متانت در کشور یاد می‌شود که تا به امروز کمتر نمونه ای از آن دست در جامعه ظهور کرده است. اما طی سال‌های اخیر متاسفانه نگرانی هایی در مورد افول جایگاه ارزش‌های اخلاقی و پیراستگی ادبیات در میان برخی سیاستمداران و نیز مردم بروز یافته است؛ نگرانی‌هایی که از پس کاربرد اصطلاحات و واژگان غیرمتعارف و بی‌ادبانه از سوی برخی سیاست پیشگان، به طور ویژه در یک دهه اخیر به اوج رسیده که به رغم تلاش‌های صورت گرفته برای بازگرداندن جایگاه ادب سیاسی در نظام ارزشی مربوط به حیطه سیاست و حکومتداری راه به جایی نبرده است. تا جایی که به طور مثال در روزها و هفته‌های گذشته به ویژه در کوران بررسی بحث و موضوع توافقنامه هسته‌ای در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، متاسفانه رسانه‌های کشور بار دیگر منعکس کننده پخش سخنان نمایندگانی بودند که با ادبیات تهدید و توهین همراه با بکارگیری از برخی واژگان ناهنجار و غیرمتعارف، سبب بروز مجدد نگرانی و سقوط چندباره اخلاق در بین رجال سیاسی و طراز اول کشور و به تبع آن قشر فرهیخته و یا عوام جامعه شده است. افول اخلاق و رواج بداخلاقی که باز هم به طور مثال می‌توان از بکارگیری عبارت «حروم لقمه» توسط یک نماینده ادیب مجلس در برنامه پربیننده «خندوانه» و مدتی پس از آن نیز نقل خاطره‌ای عجیب و توهین آمیز نسبت به یک قومیت، توسط یکی از هنرمندان طراز اول کشور در یک برنامه زنده در رسانه ملی نام برد که شاید بتوان از آن به عنوان رابطه و تاثیر مستقیم رفتار سیاستمداران کشور با دیگر اقشار جامعه نظیر هنرمندان و انعکاس آن در بطن جامعه یاد کرد. یعنی به زبان ساده تر و به قول سعید حجاریان «در سال های اخیر ما دو پایه از سه پایه اخلاق را نداریم و لنگ می زنیم.»

سوال اینجاست که آیا برای کسب قدرت باید دست به بی‌اخلاقی و تخریب دیگری زد؟ به یقین، بدرفتاری افراد و گروه‌های ذی نفوذ در افزایش ضریب بداخلاقی در اجتماع موثر است و به نوعی مردم را به بداخلاقی دعوت می‌کند. از این رو بهره گیری از ادبیاتی در شان جایگاه و موقعیتی که سیاستمدار در آن قرار دارد بسیار مهم و امری غیرقابل کتمان است. نکته قابل توجه اینجاست که ادبیات و کلید واژه‌های نسنجیده و بی‌ادبانه سیاستمداران به دلیل اینکه توان الگوسازی و اثرگذاری بر فضای اجتماعی جامعه را دارند، ممکن است در بافت زبان معیار قرار گیرند.

■ **کسب قدرت به چه قیمتی؟!**

به باور بسیاری از ناظران، استفاده سیاستمداران از ادبیات و واژگان سطحی و رواج آن در جامعه سیاسی، به دلیل گستردگی نشر و بازخوردی که در جامعه دارد می‌تواند زنگ خطری برای فرهنگ کشور را به صدا درآورد. نمی‌توان منکر شد که یکی از اصلی ترین و شاید مهم‌ترین کارکردهای سیاست، دستیابی به قدرت است، اما سوال اینجاست که آیا برای کسب قدرت باید دست به بی‌اخلاقی و تخریب دیگری زد؟ به یقین، بدرفتاری افراد و گروه‌های ذی نفوذ در افزایش ضریب بداخلاقی در اجتماع موثر است و به نوعی مردم را به بداخلاقی دعوت می‌کند. از این رو بهره گیری از ادبیاتی در شان جایگاه و موقعیتی که سیاستمدار در آن قرار دارد بسیار مهم و امری غیرقابل کتمان است. نکته قابل توجه اینجاست که ادبیات و کلید واژه‌های نسنجیده و بی‌ادبانه سیاستمداران به دلیل اینکه توان الگوسازی و اثرگذاری بر فضای اجتماعی جامعه را دارند، ممکن است در بافت زبان معیار قرار گیرند. با توجه به اینکه جامعه ما یک «جامعه شفاهی» است و گفتار در آن نقشی پررنگ دارد، باید به واژه گزینی و کلام توجه بیشتری شود زیرا زبان معیار می‌تواند به نوعی طراز فرهنگی و ادبی جامعه ما به حساب آید و بی‌توجهی به آن به افول ارزش‌های اخلاقی در جامعه بیانجامد. امری که نیازمند نگاه ویژه سیاستمداران است، توجه به جایگاهی است که در اختیار دارند؛ چرا که منصب سیاسی و جایگاه اجتماعی دارای سپهر پهناورتری نسبت به حوزه فردی است و دامنه گسترده تری را از خود متاثر می‌سازد. بنابراین، منطقی و عقلانی آن است که در واژه گزینی دقت خاصی به کار گرفته شود. ادبیاتی که سیاستمداران استفاده می‌کنند، می‌تواند ساحت عمومی جامعه را زیر تاثیر قرار دهد و فضا و ساحت خصوصی جامعه را درنوردد. به عبارتی دیگر با توجه به نقش الگودهی سیاستمداران به عنوان نخبگان سیاسی جامعه و نقش رسانه‌ها در انتشار این الگوها، واژگان به کار رفته از سوی سیاستمداران وارد ادبیات فردی می‌شود که به صورت غیرمودبانه، به رواج بی‌ادبی منتهی خواهد شد. همچنین این واژگان به سرعت بر خاطر اجتماعی می‌نشیند و خیلی دیر از خاطر زدوده و در این بین گاهی برای همیشه در اذهان می‌ماند. کاربرد واژه‌هایی سخیف که در برخی موارد به هجو و حتی به ناسزا نیز کشیده می‌شود، تنها به طرد و غیریت سازی نسبت به رقیب منجر نمی‌شود، بلکه به طرد فرهنگ و زایل شدن اخلاق در جامعه و همچنین آسیب دیدن ادبیات فاخر و سطحی سازی آن می‌انجامد. بر این اساس باید گفت سطحی سازی و کاستن از بار و غنای کلام در طی زمان، زبان را دچار کژی و فرسودگی می‌کند. در برابر، بهره گیری از ادبیاتی متین و مودبانه جامعه را به سمت تعالی و همدلی پیش خواهد برد.

در تکمیل بررسی مبانی اخلاق سیاسی باید گفت، نسبت اخلاق و سیاست، صرفاً مسئله‌ای نظری و آکادمیک نیست که منحصر به حلقه‌های درسی باشد، بلکه نتایج عملی گسترده‌ای دارد که ماحصل آن پایبندی یا عدم پایبندی دولت به اصول اخلاقی است. اگر ادعا شود که اخلاق و سیاست از یکدیگر جدا هستند، لازمه‌اش این است که انتظار پایبندی به اصول اخلاقی را از دولت نداشته باشیم و عملکرد آن را بر اساس معیارهای اخلاقی تسنجیم و تنها معیار را کارآمدی بدانیم. اما اگر ادعا کردیم که دولت باید اخلاقی باشد، آن‌گاه باید در مواردی که میان اصول اخلاقی و منافع دولتی تعارضی پیش می‌آید، تکلیف خودمان را روشن کنیم. برقراری رابطه و پیوند مناسب میان اخلاق و سیاست همواره از مهم‌ترین مباحث اندیشه سیاسی بوده است. در همین خصوص ما با دو نظریه مواجه هستیم: یکی ایده آلیسم سیاسی و دیگری رئالیسم سیاسی که دومی هدف سیاست را کسب، حفظ و افزایش قدرت و ثروت، بدون توجه به ابزارها می‌داند. با توجه به اهمیت والای اندیشه امام علی(ع) درباره رابطه اخلاق و سیاست به عنوان ایده آلیسم سیاسی در برابر رئالیسم سیاسی و به عنوان پیشوایی که همواره در پی عمل کردن اخلاق در حوزه سیاست بود، «مقصود رنجبر» در کتاب «اخلاق سیاسی» به بررسی وجوه مهم اندیشه امام علی(ع) درباره سیاست و اخلاق از قبیل حق مداری، آخرت گرایی، عدالت، غایت سیاست، مصلحت سیاسی، اخلاق کارگزاران و وفای به عهد پرداخته است. وی در بخشی از کتاب خود به بررسی اخلاق سیاسی در اندیشه امام علی(ع) نیز اشاره کرده است:

در اندیشه امام علی(ع)، «دولت» به معنای نهاد دارنده و اِعمال کننده قدرت برای تحقق غایت نهایی است و معاصی‌ای چون سلطه و برتری جویی در آن راه ندارد. این نگاه با اندیشه و برداشت غالب آن دوران، که حکومت را به طور کامل به مفهوم سلطه طلبی می‌گرفتند، کاملاً متفاوت است. حضرت علی(ع) می‌کوشید با تلقی رایج از دولت و حکومت مقابله کند. از دید امام علی(ع)، «عدالت» عنصر ذاتی و مهم‌ترین رکن سیاست است. و وجه تمایز اصلی «حکومت اسلامی» با دیگر حکومت‌ها، عدالت و دوری از ستم است. چون تمام اصول اخلاقی که انسان‌ها در شرایط عادی بدان پایبندند، در شرایط ظالمانه از میان می‌رود. به همین دلیل حضرت علی(ع) تمام توان خویش را برای مبارزه با بی‌عدالتی به کار برد تا اصول اخلاقی را در مردم و در میان زمامداران پایدار کند. بُعد مهم دیگری که می‌تواند در اندیشه اخلاق سیاسی، اندیشه سیاسی حضرت علی(ع) را تبیین کند، تاکید وی بر ضرورت رعایت حدود الهی از سوی حکومت است. توجه به حدود الهی در سیاست، سیاست را به طور کامل اخلاقی می‌کند و زمامداران را از توسل به روش‌های غیراخلاقی در پیشبرد اهداف سیاسی بازمی دارد. امام هدف از سیاست را اجرای حدود الهی می‌شمارد و در نتیجه، برای رسیدن به اهداف سیاسی، زیر پا گذاشتن حدود الهی را به هیچ وجه روا نمی‌داند. طبیعی است که این امر به خودی خود می‌تواند زمینه حاکمیت اخلاق در حوزه سیاست شود. و اما بُعد دیگری که تعیین کننده نگرش حضرت علی(ع) به سیاست اخلاقی است، اهداف و ویژگی‌های حکومت در نظر اوست. در حکومت امام «کرامت انسان» در عالیترین درجه ممکن رعایت می‌شد.

■ **اخلاق سیاسی**

یک بخش از اخلاق حوزه سیاسی است. مثلا کسی که در قدرت و حاکمیت است همانگونه که دوست ندارد کسی برای وی ایجاد محدودیت کند خود نیز نباید برای کسانی که در قدرت نیستند ایجاد محدودیت کند.

در همین رابطه حجت الاسلام و المسلمین سید محمد علی ایازی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در گفت و گو با پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران با بیان این که بعثت پیامبر ما برای بالا بردن ارزش های اخلاقی است گفته اند: تبلور مکارم اخلاق، در شیوه های رفتاری انسان ها نسبت به دیگران است که شاید نمونه های آن را در دعای مکارم اخلاق امام سجاد تبلور پیدا کرده و نشان داده شده که چه مسائلی در مکارم اخلاق دارای اهمیت هستند.

ایازی ادامه داده: به عنوان نمونه شاید مهمترین بخش مکارم اخلاق که یک نوع معیار دهی برای شناخت اخلاق است همین قاعده زرین و طلایی این سخن باشد که انچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز مپسند. یعنی اگر ما بخواهیم تعیین کنیم که در اخلاق چه چیز خوب است باید به درون خود مراجعه کنیم.

وی همچنین گفته است: یک بخش از اخلاق حوزه سیاسی است مثلا کسی که در قدرت و حاکمیت است همانگونه که دوست ندارد کسی برای وی ایجاد محدودیت کند خود نیز نباید برای کسانی که در قدرت نیستند ایجاد محدودیت کند.

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم گفت: یکی از شرایط تاثیر گذاری اخلاقی این است که کسانی که مروج اخلاق هستند خودشان پایبند تعالیم اخلاقی باشند در غیر این صورت نه تنها ترویج اخلاق اثر ندارد بلکه اثر معکوس هم می گذارد.

ایشان در پایان خاطر نشان کرده اند: جمله ای از پیامبر گرامی هست که می گوید اگر شما می خواهید که مردم را دعوت به اخلاق خوب کنی باید آن ها را با رفتارتان دعوت کنید نه با زبانتان. پس کسانی که می خواند مروج اخلاق باشند در وهله اول باید عمل به اخلاق پایبند باشند و مسئله بعدی این است که اگر کسی می خواهد جامعه اخلاقی باشد باید زمینه های گرایش به اخلاق را هم فراهم کند. نمی توانیم به مردم بگوییم دزدی نکنید ولی کاری بکنیم که مردم را وادار به دزدی کنیم. فقر، عدم رعایت عدالت، فاصله طبقاتی، بی توجهی به قانون و ...همه باعث فرار از اخلاق می شود پس نمی توان فقط موعظه کرد بلکه باید زمینه های پایبندی به اخلاق را فراهم کرد.

■ **دعوت به رعایت اخلاق در دیگر کشورها**

جالب است که بدانید اخیرا پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک جهان، نیز دولتمردان و سیاستمداران آمریکایی را به رعایت اخلاق دعوت کرد.

وی که به عنوان نخستین رهبر کاتولیک های جهان در کنگره آمریکا سخنرانی می کرد، با اشاره به نقش دولت آمریکا در جهان به عنوان ابرقدرت، از دولتمردان این کشور خواست اخلاق و معنویات را سر لوحه اقدامات خود قرار دهند و مسئولانه رفتار کنند. وی همچنین به موضوع مهاجرت اشاره کرد و گفت، نباید به مهاجران با چشم افرادی خارجی نگریست چرا که بیشتر مردم آمریکا ریشه خارجی دارند و از نوادگان مهاجرانی به شمار می آیند که در طول سال های متمادی به این کشور مهاجرت کرده اند.

اولین سخنرانی یک پاپ در کنگره آمریکا رویدادی منحصر به فرد در روابط آمریکای عمدتا پروتستان مذهب با واتیکان به عنوان قطب جهان کاتولیک به شمار می آید. با این حال، تاکید پاپ فرانسیس بر اخلاق و معنویت حکایت از ناخرسندی رهبر کاتولیک های جهان از عملکرد آمریکا دارد. برای سالیان متوالی بویژه در دوران جنگ سرد، آمریکا از دید مقامات ارشد واتیکان و کلیسای کاتولیک، دژ مستحکم در برابر الحاد کمونیستی به شمار می آمد. به همین دلیل نیز واتیکان عمدتا نقش مشروعیت بخشیدن به سیاست های تهاجمی را بازی می کرد تا جایی که یکی از دلایل فروپاشی بلوک شرق و گسترش نظام سیاسی غربگرا به کشورهای تحت سلطه اتحاد شوروی در شرق اروپا، تلاش های ژان پل دوم، پاپ اسبق و لهستانی تبار عنوان شده است.

با این حال، حداقل در یک دهه گذشته آمریکا در عرصه مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به گونه ای عمل کرده است که انتقاد رییس دولت واتیکان را نیز برانگیخته است. البته پاپ فرانسیس به عنوان پاپی چپگرا و حامی فقرا و ضعفا شناخته می شود که به لحاظ فکری و اندیشه ای در برابر سرمایه داری طمع ورز و جنگ سالار قرار می گیرد. جنگ عراق و بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ نشان داد که بی توجهی به اخلاق و معنویت در آمریکا تا چه اندازه می تواند برای بشریت خطرناک باشد. آمریکا بعد از فروپاشی جهان کمونیست، خود را بی رقیب قلمداد می کرد که می تواند هر چه صلاح بداند، انجام دهد. به همین دلیل نیز آمریکا بدون توجه به مخالفت های جهانی از جمله ناخرسندی رهبر وقت واتیکان، در سال ۲۰۰۳ به عراق لشگر کشی کرد و حوادثی خونین بعدی را در خاورمیانه رقم زد.

در عین حال، به موازات بی اخلاقی دولتمردان آمریکایی در انچه جنگ علیه ترور می خوانند، سرمایه داران بزرگ این کشور نیز با بی توجهی به اخلاق و معنویت، جهان را گرفتار بحران وسیع و فراگیر اقتصادی کردند. بنابراین دور از انتظار نبود که پاپ فرانسیس در نخستین حضور یک رهبر کلیسای کاتولیک در نشست کنگره آمریکا، بر رعایت اخلاق و انسانیت تاکید کند. هر چند که هنوز نشانه هایی از تغییر رویکرد واتیکان در قبال سیاست های دولت آمریکا به چشم نمی خورد . ضمن اینکه فساد عمیق اخلاقی و مالی مقامات ارشد کلیسای کاتولیک، بویژه موضوع رسوایی جنسی کشیش ها نشان داد که اخلاق و معنویت نیز زیر مجموعه تحت فرمان پاپ فرانسیس تا چه اندازه تضیف شده است.

ادبیاتی که سیاستمداران استفاده می‌کنند، می‌تواند ساحت عمومی جامعه را زیر تاثیر قرار دهد و فضا و ساحت خصوصی جامعه را درنوردد. به عبارتی دیگر با توجه به نقش الگودهی سیاستمداران به عنوان نخبگان سیاسی جامعه و نقش رسانه‌ها در انتشار این الگوها، واژگان به کار رفته از سوی سیاستمداران وارد ادبیات فردی می‌شود که به صورت غیرمودبانه، به رواج بی‌ادبی منتهی خواهد شد. همچنین این واژگان به سرعت بر خاطر اجتماعی می‌نشیند و خیلی دیر از خاطر زدوده و در این بین گاهی برای همیشه در اذهان می‌ماند. کاربرد واژه‌هایی سخیف که در برخی موارد به هجو و حتی به ناسزا نیز کشیده می‌شود، تنها به طرد و غیریت سازی نسبت به رقیب منجر نمی‌شود، بلکه به طرد فرهنگ و زایل شدن اخلاق در جامعه و همچنین آسیب دیدن ادبیات فاخر و سطحی سازی آن می‌انجامد. بر این اساس باید گفت سطحی سازی و کاستن از بار و غنای کلام در طی زمان، زبان را دچار کژی و فرسودگی می‌کند. در برابر، بهره گیری از ادبیاتی متین و مودبانه جامعه را به سمت تعالی و همدلی پیش خواهد برد.

راهکار

تندخویی های ناشی از بی ادبی

حسین باهر
استاد دانشگاه

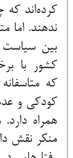

بروز رفتارهای ناشایست در یک جامعه سیاسی ناشی از چند عامل شناخته شده است. به صورت رفتارشناسی اصولا افرادی که در یک مجموعه‌ای کار می‌کنند یا با هارمونی آن مجموعه خودشان را تطبیق می‌دهند یا دچار دیس هارمونی می‌شوند، منظور اینکه اگر راه و روش پیشکسوت‌های ما در جامعه و در خط مقدم جبهه‌های سیاسی کُند باشد، رفتار آن مجموعه کُند و اگر تند باشد طبیعتا رفتارشان تند می‌شود.

ما در همه زمینه‌ها رفتار تند و تدافعی داریم، بدین معنا که در بسیاری از مواقع بدون توجه به برآیند ماجرا از خودمان رفتارهایی نشان می‌دهیم که ممکن است در کوتاه یا دراز مدت به ضررمان هم تمام شود. این در حالی است که شما در جوامع پیشرفته این نوع رفتار را مشاهده نمی‌کنید. به این دلیل که آن‌ها همواره در نوعی آرامش رفتاری به سر می‌برند. اما این موضوع در جامعه سیاسی حال حاضر ما به شدت فرق می کند. تا جایی که می توان عکس العمل های ناشی از برخی رفتارهای سیاستمداران خاص کشورمان را به پای «تندخویی» و یا «تندرویی» ناشی از عدم برخورداری از ادب کافی گذاشت.

در حالیکه در دین اسلام هم، همواره توهین و افترا به شخص دیگر منع شده و بزرگان دینمان هم به مسلمانان توصیه کرده‌اند که چنین رفتاری را از خود بروز ندهند. اما متاسفانه در برخی موارد ما در بین سیاست مداران و یا سیاست ورزان کشور با برخوردهایی مواجه می شویم که متاسفانه باید گفت ریشه در دوران کودکی و عدم نقش آفرینی خانواده را به همراه دارد. ما نمی توانیم به هیچ وجه منکر نقش داشتن خانواده در چنین رفتارهایی در جامعه شویم. چرا که به طور حتم خانواده‌های چنین شخصیت‌هایی در کودکی از اهمیت جلوگیری از بروز چنین رفتارهایی در آینده باخبر نبوده‌اند. برای بر طرف کردن این مسائله هم ما دو روش داریم؛ یکی روش اسلامی و دیگری روش علمی. روش اسلامی الگو است. پیامبر برای ما الگوست و ما هیچ خشونت و رفتار ناشایستی و بدخلقی و بد رفتاری را در شخصیت ایشان نمی‌بینیم.

پس هر پدر و مادری هم باید برای فرزندش الگو باشد، الگو هم باید از بالا باشد تا اثر کند. روش علمی هم دموکراتیک است یعنی آزادی در بیان و گفتار به همه داده شود و بر این اساس جلو برویم. نظرات افراد را بخواهیم، شایسته‌محوری داشته باشیم. امکاناتی ایجاد شود که هر کسی در جای خود قرار گیرد تا بالاترین بُرد استعدادی افراد به کار گرفته شود. این یعنی با وجود عزم ملی، همه این موارد امکانپذیر است تا در آینده کمتر شاهد بروز چنین رفتارهایی از سیاستمدارانمان در جامعه باشیم.

در آیت ماندگار دیده شوید!
تلفن پذیرش آگهی ها:
۸۸۶۱۰۰۷۱

تنفخص

روانشناسی ادبِ سیاسی

محمدآزاد جلالی زاده
نویسنده

یکی از نشانه های بنیادین سلامت شخصیت از نظر روانشناختی و یا به تعبیر دیگر سلامت «نفس» را می توان تطابق اندرونی فردی با بیرونی رفتاری اش دانست و به تعبیری دیگر اگر «منِ انسانی» آنگونه که خودم می دانم و در نزد دیگران به نمایشش می گذارم و یا دست کم تطابقشان در طی مراحل زندگی ام فزون و فزون تر گردد، می توانم ادعا نمایم که از نظر روانی با خودم کنار آمده ام و به تعبیر فروید من ایده آل با من واقعی تفاوتشان از زمین تا آسمان نیست و من خود را با تمام نقاط ضعف ها و قوت هایم پذیرفته ام.

اگر بخواهیم در حیطه بحث مورد نظرمان، ادامه بدهیم بایستی گفت: ادب در واقع نشان دهنده وجه درونی ما و کشمکش های اندرونی و سیاست به منزله قالب بیرونی و واکنش های عینی ماست. ادب در واقع از برمی خیزد و وجه برونی آن نشان از غلبه ژنتیک بر محیط یا بالعکس دارد و ما در زندگی مان وجه ادب و پرورشی خویش را کشان کشان به حوزه های مختلف حیاتمان می بریم و وجهه هایی از آن را به نمایش می گذاریم و تدبیر منزل را به سیاست مدنمان سوق می دهیم.

واقعیت آن است که ما ایرانیان در حوزه روانشناسی اجتماعی مان به سلامت دست نیافته ایم و نتوانسته ایم حوزه ادب و وجه انسانی خویش را به حوزه برونی و نفس گیر سیاسی مان وارد کنیم و هنوز با تعارفات خویش درگیریم و بد حادثه آنجاست که هنوز هم نتوانسته ایم مشکلات و ضعف های وجه اندرونی و بالتبع وجه بیرونی مان را حل نماییم وآنجاست که مشکلاتمان نمایان شده و شبه لایتحل می نمایاند؛ البته بدیهی است که این عدم تطابق بایستی دلایلی داشته باشد که بحث از آن دلایل در این مقال کوتاه نمی گنجد.

واقعیت آن است که تربیت ما نام و نشان از تاریخ و هویت ما دارد و به خاطر دلایل فراوان و از آن جمله نبود امنیت روانی فراگیر «برای به هر جهت» شده است. افراطیون سیاسی را مروری دوباره کنیم؛ در آنها چه خصلت هایی وجود دارد که تندروی را بارور کرده اند؟ آنان نشان دهنده تفکری هستند که اهداف کوتاه مدت و رسیدن به آن برایش از توسعه و اهداف بلند مدت سرزمینی بسیار بیشتر اهمیت دارد؛ برایشان وام های زودبازده از صندوق توسعه ملی و صندوق ذخیره ارزی و ... مهم تر است، چونان کودکانی که جار و جنجال برایش اهمیت دارد و نمی خواهد کسی بر آنها نظارت کند، کم که می آوردند قهر می کنند و برای رسیدن به اهدافش از دست اویختن به هیچ وسیله ای ابا ندارند. مهم آن است که کارشان انجام شود، برای آنان درست و غلط معنایی ندارد و طبق گذشته عشیرتی هر که به آنان نزدیک تر از خوان نعمات - بخوانید رانت های دولتی و نفتی - منعم تر و به نظرش با زور و قوه ی قهریه - حالا هر نوعش - هر امری را می توان به سرمنزل مقصودی که در نظر دارند، برسانند.

خب؛ ما در ادب و اندرونی خویش، مثال آنها با تندروی رشد کرده ایم، همه چیز را زود و زیاد و به زور می خواهیم! کدهای ژنتیکی ادب اندرونی ما را کاملاً فرصت طلبانه و محافظه کارانه و باری به هر جهت بسته اند و محیط نامساعد هم به یاری آمده است، اگر اندکی در اندرون روانی خویش دقت کنیم، به راحتی پی می بریم که بسیاری جاها در درون خویش به لجاجت ها و کارهای غیرعقلانی و زود بازده تندروها آفرین ها گفته ایم و در بیرون زُست اعتدال گرفته ایم.

ادب اندرونی ما به وجه سیاسی و اجتماعی ما رسیده و ادب سیاسی ما را شکل داده و واقعیت آن است که احساسات و دوست داشتن هایمان با اعتدال درگیر است و او خوشمان می آید؛ اما عقلانیت به یاری این احساسات برنخواسته است و پشتیبانش نبوده است. ژنتیک و محیط مان همواره به ما یادآوری می کند که راه رسیدن به اهداف در سرزمینی چون ایران در پیش گرفتن راه تندروی و این دوگانگی در عرصه اندرونی و بیرونی - یا بهتر بگویم در عرصه ذهن و عین - روانشناسی سیاسی و اجتماعی ما به لبه پرتگاه آسیب های گوناگون سوق داده است. تشبه به اعتدال و رواداری و توسعه زمانی به ثمر می نشیند که اندرونی مان را هم به سامان کنیم و علاوه بر تشبه ظاهری تشبه درونی مان هم به تبعیت برخیزد و از ورود هرگونه تندروی و لمپنیسم به حوزه ذهنی و عملیاتی مان جلوگیری کنیم. بی گمان اگر چنین کردیم که فبها المراد و اگر نه خدا خود داند که به کجا عازمیم!

پی نوشت:

در همین راستا حجت الاسلام و المسلمین «سید مهدی سادات نژاد» در گفت وگو با خبرنگار ایرنا درباره رابطه اخلاق و سیاست در نظام سیاسی اظهار داشت: در گفتمان اسلامی، حکومت و سیاست با اتچه در جوامع غربی رواج دارد، متفاوت است. نظریه وی افزوده است: سه نظریه کلی در این رابطه وجود دارد؛ نظریه جدایی اخلاق از سیاست که سردمدار آن «ماکیاولی» به عنوان پدر علم سیاست در غرب است، معتقد به توجیه هر وسیله ای برای رسیدن به هدف است. عضو هیات علمی دانشگاه تهران تاکیدکرد: در این دیدگاه دروغ، فریب، حذف مخالف و یا هر وسیله غیر اخلاقی و نادرست دیگری برای رسیدن به هدف قابل توجیه است؛ اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که اخلاق را تابعی از سیاست می داند. سادانی نژاد تصریح کرد:

نگاه

سریال های بی رنگ و بوی سیما

ماه محرم در حالی فرا می‌رسد که شبکه‌های مختلف سیما سریالی ندارند که مشخصا برای این ماه ساخته شده باشد.» مناسبت های ملی و مذهبی همیشه به عنوان یک باکس ویژه برای تلویزیون مطرح بوده‌اند چراکه مردم در این زمان ها انتظار بیشتری از رسانه ملی دارند و چه در ایام شادی چون اعیاد و نوروز و چه در مناسبت هایی مثل محرم و یا ماه رمضان خواستار برنامه هایی مرتبط با این ایام از این رسانه بوده اند. امسال و پیش از آغاز محرم شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون در خبرها و گزارش‌های مجزایی اهم برنامه‌های خود برای این ماه را اعلام کردند که در بین آنها اثاری در ساختارهای مختلف دیده می‌شد ولی جای سریال‌های محرمی که اقبال مردم به آنها بیشتر است، خالی بود.

شبکه یک

شبکه یک سیما از ۱۱ مهر و همزمان با آغاز هفته نیروی انتظامی سریال «امین» را روی آنتن برده است؛ سریال پلیسی که چون در ۲۰ قسمت تولید شده است پخش آن تا چند روز اول محرم طول می کشد. بعد از آن سریال «نفس گرم» برای ایام محرم تدارک دیده شده است. سریالی که مناسبتی نیست اما به دلیل محتوا و موضوع آن و نگاه ویژه ای که به سبک زندگی اسلامی و ایرانی دارد قرار است در این ایام روی آنتن برود. سریال «امین» به کارگردانی مشترک منوچهر هادی و بهرنگ توفیقی با مشارکت موسسه ناجی هنر در ۲۰ قسمت ۴۵ دقیقه ای تولید شده است و فضایی پلیسی دارد. تصویربرداری این سریال خرداد سال گذشته به کارگردانی منوچهر هادی در تهران آغاز شد و در مهرماه، فاز نخست آن به پایان رسید اما بعد از وقفه‌ای سه ماهه، فاز دوم این اثر را بهرنگ توفیقی در تهران و شمال کشور مقابل دوربین برد و در نهایت ساخت سریال یازدهم اردیبهشت امسال به پایان رسید. زامیاد سعدوندیان نگارش این سریال را بر عهده داشته است و جواد نوروزبیگی نیز تهیه کننده آن است. محمدمهدی عسگرپور کارگردانی این سریال و سیدمحمود رضوی تهیه کنندگی آن را بر عهده دارند و این سریال اجتماعی یک زن را محور داستان قرار داده است. رضوی پیش از این تهیه کنندگی سریال «پرده نشین» را در تلویزیون بر عهده داشت. مجموعه ای که داستان ها و نگاه متفاوتی را از روحانیون به تصویر کشید. «نفس گرم» هم یک سریال اجتماعی است که قصد دارد فضا و انسمبر زندگی ایرانی را به تصویر بکشد.

شبکه دو

این شبکه سال گذشته مجموعه «رخنه» به نویسندگی و کارگردانی حسین تبریزی را روی آنتن برد که سال قبل از آن تولید و پخش شده بود و امسال برای این ایام پخش سریال «کیمیا» را که چندی است روی آنتن این شبکه می رود اماده خواهد داد. «کیمیا» به کارگردانی جواد افشار و تهیه کنندگی محمدرضا شفیعی نخستین سریال ۱۱۰ قسمتی در سیمای جمهوری اسلامی است که در درجه کیفی الف به تولید رسید و این شب ها از شبکه دو سیما روی آنتن می رود.

شبکه سه

این شبکه سریال تولیدی برای این ایام ندارد و قرار است با یک نفرسنجی از مردم از میان سه سریال «شب دهم»، «معصومیت از دست رفته» و «بلدا» یکی را برای پخش انتخاب کند. بعد از پخش و اتمام یکی از این سریال های نام برده شده نیز قرار است «آسمان من» از این شبکه به نمایش درآید. این مجموعه به کارگردانی محمدرضا اهنج ساخته شده است و نوروز امسال از شبکه افق روی آنتن رفته بود. در سریال «آسمان من» بازیگرانی از جمله حامد بهداد، امین حیایی، دانیال حکیمی، حسن پورشیرازی، آتیلا پسیانی، حمید عطایی، امیر آقایی، پژمان بازغی، سروش صحت، رحیم نوروزی، انوش معظمی، عمار تقتی، افشین زی نوری، ویدا جوان، سودابه بیضایی، الهام چرخنده، شهرام عبدلی، صالح میرزاآقایی و چکامه چمن ماه به ایفای نقش می پردازند.

شبکه پنج

شبکه پنج هم اکنون سریال کره ای «دختر امپراطور» را در حال پخش دارد که از هفتم شهریور روی آنتن این شبکه رفته است. همچنین مجموعه تلویزیونی پنج قسمتی «آخرین نفس‌هایم» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سامان سالور که کاری از استان زنجان است از شب هشتم ماه محرم هر شب ساعت ۱۹:۴۵ پخش در شبکه پنج می شود.

برنامه ای برای خندیدن بی دلیل!
پایان فصل دوم خندوانه

گزارش

ویژه برنامه مخصوص خنده که مدت‌ها بود با حضورش دل‌های زیادی را شاد می‌کرد و نهضتی که ملتی را با ساختار خاص خود به کام خنده کشاند، اما بالاخره با وعده بازگشت دوباره به پایان فصل دوم خود رسید. پایانی که با بغض‌های جناب خان، غافلگیری و دلنوشته‌ای از رامبد جوان همراه بود.

گروه فرهنگ و هنر

نظر علی مطهری درباره «خندوانه»

یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه تولید برنامه‌ای مانند «خندوانه» کار لازم و جدیدی بود، تصریح کرد: خنداندن و شاد کردن مردم با ضوابطی که در کشور ما وجود دارد، کار بسیار مشکلی است. علی مطهری درباره برنامه «خندوانه» با بیان این مطلب گفت: در تلویزیون‌های دیگر کشورهای دنیا از موسیقی، رقص و ابزارهای متعدد برای شاد کردن مردم استفاده می‌کنند که این کار برای ما شدنی نیست؛ چراکه در جامعه ضوابطی وجود دارد که ملزم به رعایت آن هستیم. وی افزود: با توجه به اینکه دست‌اندرکاران برنامه «خندوانه» با رعایت چنین ضوابطی توانسته‌اند، مردم را شاد کنند و خنده بر لب آنان بیاورند، کار بزرگی انجام داده‌اند. نماینده مردم تهران در مجلس، درباره برخی انتقادات مطرح‌شده مبنی بر اینکه «خندوانه» با دعوت از برخی سیاسیون، از اعتماد مردم به این برنامه سوءاستفاده کرده است، گفت: گمان نمی‌کنم که دست‌اندرکاران برنامه «خندوانه» با اهداف سیاسی اقدام به دعوت از این چهره‌ها کرده باشند. این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: دعوت از آقای حداد عادل در روز ازدواج صورت گرفت که دارای تناسب بود و به نظر نمی‌رسد که برنامه «خندوانه» گرایش سیاسی داشته باشد.

عادل فردوسی‌پور خندوانه را نودی کرد!

در یکی از آخرین قسمت های خندوانه عادل فردوسی‌پور میهمان این برنامه بود و درباره خودش و برنامه‌اش سخن گفت. رامبد جوان در آغاز برنامه گفت: «به نظرم لیترتر از این آدم وجود ندارد چون مثل ماهی از دست آدم سر می‌خورد. خیلی از شب‌ها به من زنگ زده و تشویقم کرده و من در تمام این شب‌ها به او اصرار و اصرار کردم که به برنامه بیاید و او گفته نه.» جوان افزود: «تا این که یک شب به من گفت هر وقت بخواهم بیایم خودم بهت زنگ می‌زنم و بالاخره زنگ زد.» مجری «خندوانه» به فردوسی‌پور گفت: «توجه جوری می‌توانی اینقدر موفق باشی؟ به نظرم از تماشای آدم‌ها می‌شود یک چیزهایی یاد گرفت و آدم از تماشای تو موفقیت را یاد می‌گیرد. موفقیتی که تویش بر از صداقت، نکته‌بینی، هوش، پشتکار و استقامت است.» فردوسی‌پور در این برنامه پیرامون «نود» گفت: «رامبد تو خودت می‌دانی حفظ یک جایگاه چقدر سخت است. به دست آوردن موفقیت کار ساده‌ای است ولی نگه داشتن آن بسیار سخت است. ۱۷ - ۱۸ سال است از شروع برنامه نود می‌گذرد و طی این مدت مردم همچنان ارتباط خوبی با این برنامه دارند.» او درباره اقبال مردم به این برنامه اظهار داشت: «یکی از دلایلش این است که همیشه سعی کردم با مردم صادق باشم. از ریاکاری و اجرای ریاکارانه و فیلم بازی کردن پرهیز داشتم و سعی کردم همیشه خودم باشم. یک سری خط قرمز و اصول هم داشتم که همیشه سعی کردم خودم و برنامه‌ام از آن عبور نکنیم.» فردوسی‌پور ادامه داد: «اوایل فقط اقایان مخاطب برنامه ما بودند اما حالا از خانم خانه‌دار گرفته تا دختر جوان برنامه را می‌بینند چون «نود» گرایش اجتماعی پیدا کرد و همین باعث شد که مخاطب بیشتری آن را ببینند.»

قسمت آخر فینالی با دو برنده و بنیامین

وداع فصل دوم «خندوانه» با کلی حرف دلانه، حضور بنیامین بهادری و کلی اتفاق دیگر انجام شد. «هر کاری که کردیم و هر طوری که بودیم تمام تلاشمان این بود که بتوانیم بهترین لحظات را برای شما خلق کنیم.»

این صحبت اغازین جوان بود که پس از آن شادی برنامه را با همه احساسش به همه خنده‌ای‌ها تقدیم کرد و بعد از بستن آخرین کمربند این فصل، برخی از کمدین‌ها در جایی که روز اول برای شروع مسابقه خنداننده برتر آمده بودند، حاضر شدند. از جمله علیرضا خمسه که به سبک و با حرکات چارلی چاپلین وارد شد و گفت: اگر بار گران بودیم رفتیم. بعد هم جواد رضویان آمد و سه نفری شعر «نمیشه هم ما رو به لحظه تنها بذاره/ نمیشه این غافله ما رو تو خواب جا بذاره ...» را خواندند و رضویان هم با لهجه فیلم چهار خونه شعری را خواند، بعد هم علیرضا مسعودی معروف به علی مشهدی، رضا شفیعی‌جم، امیر کربلایی‌زاده و دو فینالیست قهرمان یعنی مهران غفوریان و امیر مهدی ژوله هم وارد شدند، البته الیکا عبدالرزاقی هم آمد اما برای رسیدن به تئاترش رفت.

درباره فینال خنداننده برتر جوان بیان کرد: بقیه کمدین‌ها هم به علل مختلف کاری نتوانستند بیایند؛ همچنین خیلی جب دیگری باید بگویم شنبه‌های خنداننده‌ای مترو همچنان وجود خواهد داشت. پس از یک رفت و برگشت مشخص شد که به علت وقایع رخ داده برنامه آنها نیز به هم ریخته برای همین هر دو کمدین فینالیست به علت نبودن زمان رای گیری مردمی قهرمان اعلام شدند. علاوه بر این دو نفر مرحله قبل هم نفرات دوم این رقابت و رفاقت بزرگ به حساب آمدند. بعد از این صحبت‌ها خمسه آمد و گفت: زمانی همه می‌گفتند خنده برای مرفهین بی‌درد ولی با تلاش‌های «خندوانه» همه فهمیدند خنیدن دلیل نمی‌خواهد. وی که برای اهدای جوایز آمده بود افزود: کمدینی که من به او رای دادم و از همه بامنک‌تر است از نظر من رضا شفیعی‌جم بود؛ بعد هم تندیس خنداننده برتر را به او به عنوان نفر اول اعطا کرد. جوان خوشحال در خصوص نفرات دوم گفته بود که مدال نقره و نفرات اول هم مدالی طلا را دریافت می کنند که پس از آن رضویان ضمن آرزوی بازگشت دوباره؛ از سختی کارشان گفته بود و بعد هم جوان با یادبودی از علیرضا خمسه تشکر ویژه کرد و اجرای مشترک دو کمدین آغاز شد.

نتایج عمل زیبایی روی مهران غفوریان

ابتدا ژوله آمد و از دعواهای قدیم و جدید گفت، از اینکه الان همه به چاقویی، شوکری چیزی مسلح هستند و اینکه یا باید بکشی یا کشته می‌شوی! و بعد افزود: قبلا تیزی کشی یک فن برای درس عبرت بود ولی الان هر چیزی که دستت باشد را استفاده می‌کنی! بعد از این اجرا مهران غفوریان وارد شد و او هم خاطره‌ای گفت که قسمتی از آن را به ژوله واگذار کرده بود و وی هم ماشین‌هایی که دو دستمانند را توضیح داد مثل خواب چرتی یا فاز بالا و شلوغ. و غفوریان در ادامه آمد و از خرید چادر سفری در سایز خودش برای سفری که در پیش دارد گفت، از منحرف شدن علاقه‌اش به سمت عمل‌های زیبایی، که در این بین ژوله آمد و عواقب مختلف این عمل‌ها را با اجرای تصویری به کمک مهران غفوریان بیان کرد و گفت علاوه بر این‌ها زمانی روی صورت‌ها دماغ وجود داشت اما الان به دو تا سوراخ برای رد و بدل شدن هوا تبدیل شده‌اند. پس از اجرای مشترک این دو هنرمند، جوان آرزو کرد که «خندوانه» دوباره سرپا شود و بعد هم کمدین‌های حاضر را تک تک در آغوش کشید و پس از یک رفت و برگشت جناب خان هم با بغض به جمع پیوست و گفت: یعنی تموم شد؟ یعنی دیگه اون در باز نمیشه تا تو بیای بگی سلام رامبد جوانموم؟! بعد هم دوباره به اسم رامبد گیر داد که یعنی چه؟ و با حالت دعوایی گفت: پسرم به خاطرت خودت میگوم اسمت رو عوض کن، زشته آخه!

وقتی این صحبت‌ها تمام شدند سورپرایز جوان اعلام شد، بنیامین بهادری. او ابتدا از حضورش در آخرین روز «خندوانه» ابراز شادمانی کرد و گفت که دیر رسیدم و بعد اعتراف کرد: در این سن و سال تنها برنامه‌ای که در تلویزیون جمهوری اسلامی می‌بینم همین است و شاید فقط ۲۰ قسمت از آن را از دست داده باشم. این خواننده پرطرفدار در ادامه از آشپزی و خاص بودن دستپخت مادرش گفت و بعد با وجود سرماخوردگیش با حاضران شروع به خواندن «ای ایران» کرد. بعد هم آمد و جناب خان را از نزدیک بوسید و گفت: خیلی خوشحالم که اینجا به وسیله شعرهای جناب خان و تلاش «خندوانه» حرف‌هایی که در مورد نژادپرستی و غیره بود حذف شده و این جا هر کسی از هر قومیتی با این اتفاق راحت می‌خندد. بنیامین باز هم از حضورش در برنامه ابراز خوشحالی کرد و بعد از رفتنش، جناب خان با ساز سنتی جنوب آهنگی جنوبی و غمناک را خواند، بعد دوباره با بغض گفت: هنوز باورم نمیشه! و سپس به درخواست جوان آهنگی شاد خواند ولی باز در انتها باید احلام افتاد و غمگین شد و بعد به جوان گفت هر چه لو دارم فدای قدمت، فدای موهای پرپشتت، فدای عینک رامبد جوان تبریزی و در حین رفتنش ناگهان بهنام زنگ زد و جناب خان در پاسخ به او گفت احلام لباس عروسی بپوشه ما به رب دیگه اونجام! و اظهار کرد: قربانت، فدات، دخترتو بدبخت کنی بدی

جناب خان حافظ.

حرف‌های آخر خنداوند

پس از این‌ها و پخش آیتمی از سفرهای بهروز بقایی، این هنرمند در استودیو حاضر شد و اظهار کرد: در مجموع، ما به نقاط مختلف دیگر ایران که به آن سرنزده‌ایم می‌رویم پس منتظرمان باشید. او هم در پایان از حضورش در این گروه بزرگ ابراز خرسندی کرد و سپس رضا شهیدی‌فرد، جواد فرحانی (تهیه کننده) و کل تیم «خندوانه» از پشت صحنه به جلو آن آمدند تا خداحافظی کنند. جوان با آمدن آنها ابتدا از شهیدی‌فرد و فرحانی تشکر ویژه کرد و بعد در مورد گروه اظهار داشت: همه این عزیزان در مدت ۲۴ ساعت شبانه روز تلاش می‌کردند و آن چه را که داشتند را طبق اخلاص ارائه دادند تا به این جا رسیدیم؛ از تک تکتان ممنونم. وی خطاب به شهیدی فرد بیان کرد: ممنون که با ما بودی و این باعث شد خیلی از راه‌هایی که ممکن بود اشتباه برویم با توجهات تو سالم از آن بگذریم.

پس از این جوان دلنوشته خود را با تمام احساسش بیان کرد. در این نوشته این طور عنوان کرده بود: به نام خالق لبخند؛ عزیز دل‌های من سلام می‌خواهم در این نامه بگم که از همین الان بسیارها دلتنگم، سخته وقتی به عالمه روز و شب به عالمه لحظه، وقت و بی‌وقت مهمون چشمای خوشگلتون بودیم و شما قشنگترین میزبانمان بودید. خداییش این دوری واسه تمام ما خنداوندای ها که تمام شبانه روزهای پشت سر به حال شما فکر کردیم و دلمون را به دل شما دادیم خیلی خیلی سخته. ایرونیم دیگه تو تاکسی هم صحبت اگه بشیم هنوز پیاده نشده دلمون تنگه حالا ببینید ما چی میکشم، «خندوانه» برای من یا شاید بهتر باشه بگم ما و درست ترش اینه که بگم برای تمام مردم سرزمینم یک اتفاق بود که تمام ماها با لبخند هامون بزرگش کردیم. جوان بعد از این حرف ها خاطرنشان کرد: قبل از خداحافظی می خواهم بهم به قول بدید هر روز ۲۵ ثانیه خنده فراموش نشه و مطمئن باشید که به ما می رسه خیلی دوستون داریم و ای آی که چه قدر دلمون ب تنگ میشه و دیگه ملالی نیست جز دوری شما عزیزان، باقی بقایتان، دوستون داریم مردم عزیز ایران. و بعد مثل همیشه به احترام همه مردم ایران ایستادند و او خطاب به همه خاطر نشان کرد: همیشه سلامت باشید و مطمئن باشید که برمی گردیم پس.

پست اینستاگرامی رامبد جوان در آخرین برنامه خندوانه

رامبد جوان مجری برنامه خندوانه که هر شب از شبکه نسیم پخش می شد به مناسبت آخرین برنامه این فصل خداحافظی در صفحه شخصی اینستاگرامش نوشت: ممنون از تمام این مدت که همه جوره حمایت کردین. چه تند و چه نرم و چه مهربان و چه ناهربان. بالاخره خندوانه هم تمام شد و این گروه خسته می ره برای استراحت تا کمی هم به کارهای شخصی و خونوادگیشون رسیدگی کنن. برای همتون آرزوی سلامتی می کنم و شاد و سرحال باشین. دم همتون گرم و نعنایی.(اونهایی هم که بلیت برگزار نشدن مسابقه نهایی و رای گیری ناراحتین باید بگم که متاسفم و شرایطی که توضیح دادم اینطور حکم کرد.) بقیه کمدینهای خنداننده برتر که در استودیو نیستن نتونستن تشریف بیارن. یا سرکار بودن یا مسافرت. سالم باشید.

آخرین تحولات درباره فاجعه منا

عقب نشینی عربستان؛ واقعی یا ظاهری؟

گزارش

گروه اجتماعی

وزیر حج عربستان از طراحی و راه‌اندازی مکانیزمی جدید برای برگزاری مناسک حج عمره در آینده‌ای نزدیک خبر داد و اعلام کرد که برای بررسی برنامه‌های کاری حج ۲۰۱۶ از ماه صفر آتی (۲۲ آبان) تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده است. عربستان در حالی تغییر در برنامه‌های اجرایی حج عمره را در دستور کار قرار داده که به دلیل بی‌کفایتی در برگزاری مراسم حج و فاجعه امسال در منا با انتقادات شدید کشورهای مسلمان مواجه است. پایگاه خبری بوابة الفجر به نقل از بندر الحجار، وزیر حج عربستان اعلام کرد: برای فراهم‌سازی شرایط لازم میزبانی از عمره‌گزاران و انجام هماهنگی‌های مورد نیاز دستورات مقتضی به تمامی دستگاه‌های مربوطه داده شده است. الحجار در ادامه از پروژه‌هایی که با هدف "ایجاد آرامش برای حجاج، عمره‌گزاران و زائران و نیز افزایش فرصت انجام مناسک حج برای تعداد بیشتری مسلمان آغاز شده" قدردانی کرد و گفت که با تغییراتی که ایجاد خواهد شد، در سال جدید میانگین تعداد ماهانه عمره‌گزاران تقریبا به یک میلیون و ۳۵۰ هزار عمره‌گزار خواهد رسید. سعودی‌ها با چنین اقدامات ظاهری‌ای می‌کوشند تا از فشارها و انتقادهای موجود به دلیل جان باختن بیش از ۶۰۰۰ حاجی در فاجعه منا در مناسک حج تمنع امسال بکاهند.

عدم‌همکاری عربستان برای انتقال اجساد

معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و ارشاد با اشاره به آخرین اخبار درباره حادثه منا با بیان اینکه سرنوشت ۱۵۰ نفر از حجاج ایرانی نامشخص است، اظهار داشت: تعداد اندکی از فوت شدگان این حادثه با نظر و رضایت خانواده هایشان در عربستان دفن شده اند. حسین نوش آبادی در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت با اشاره به آماری که از طریق سازمان حج و زیارت و سازمان هلال احمر اعلام شده است، گفت: متاسفانه همچنان تعدادی از مفقودین ما شناسایی نشده اند. البته اخیرا بیمارستانی شناسایی شده است که در آن تعدادی از زائران مسدوم شده در آنجا نگهداری می شود. وی ادامه داد: ممکن است در این بیمارستان تعدادی از مسدومین و مفقودین ایرانی نیز وجود داشته باشد. مسئولان مربوط در حال بررسی و شناسایی مسدومین در آن بیمارستان هستند. سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر اینکه در روزهای اخیر میزان همکاری دولت سعودی با ایران کاهش یافته است، اظهار داشت: متاسفانه از طرف دولت عربستان نسبت به انتقال اجساد حادثه منا همکاری لازم صورت نمی گیرد. لازم است دولت عربستان نسبت به شناسایی مفقودین و اجساد حادثه دیدگان منا ببش از گذشته با ما همکاری داشته باشند تا خانواده ها از نگرانی بیرون بیایند. به دلیل عدم همکاری سعودی ها نتوانستیم آنچه که جزو حقوقمان در ارتباط شناسای مفقودین و انتقال پیگیرها بوده را محقق کنیم. وی با بیان اینکه تعداد اندکی فوت شدگان این حادثه با نظر و رضایت خانواده ها در عربستان دفن شده اند اما بدون مجوز و رضایت اثان دفن ایرانی ها در ریاض صورت نمی گیرد. معاون پارلمانی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه ممکن است به اشتباه اجسادایرانی ها دفن شده باشد، اظهار داشت: با توجه به اینکه ازاجساد اثر انگشت و یک ناخن جهت آزمایش DNA گرفته شده است انکان شناسایی آنها و انتقال اجساد پاک حجاج به خاک ایران وجود دارد.

جرا عربستان با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مخالفت می‌کند؟

یک وکیل دادگستری گفت: دولت عربستان مکلف و ملزم به پرداخت و جبران خسارت وارده به تک تک قربانیان است و از منظر بین المللی نیز باید از دولت و ملت ایران برای جبران خسارت عذرخواهی کند. حسن احمدی‌نیاز در گفتوگو با ایسنا ، درباره نحوه پیگیری فاجعه منا از منظر حقوق بین‌الملل، گفت: مسئولیت دولت عربستان در قبال این حادثه محرز است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست. وی با طرح این پرسش که راهکار ما در قوه قضاییه نسبت به اینکه اگر دولت عربستان از قواعد بین‌المللی تمکین نکند، چیست؟ گفت: موضوع از دو جنبه قابل بررسی است. یکی امکانات و مکانیزم‌های بین المللی برای الزام دولت عربستان و جبران خسارت وارده است که می‌طلبد نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد از ابزارهای قانونی برای بکارگیری سازمان های بین المللی به‌ویژه منشور ملل متحد در این زمینه استفاده کند. احمدی‌نیاز یادآور شد: به لحاظ اینکه دولت عربستان یکی از اعضای جامعه ملل است که با پذیرش منشور ملل متحد، خود را ملزم به قواعد بین المللی می داند، بنابراین استفاده از مکانیزم های سازمان ملل در این زمینه می تواند بسیار موثر باشد. این وکیل دادگستری با اشاره به اینکه کنوانسیون ۱۹۶۱ وین این تعهد را برای دولت عربستان در نظر گرفته که این کشور ملزم و مکلف به جبران خسارت است، گفت: اگر عربستان خود را ملزم به جبران خسارت نداند، آیا می توانیم در دیوان بین المللی دادگستری علیه این کشور اقامه دعوا کنیم؟ با عنایت به اینکه صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری لاهه اجباری نیست و اختیاری است و دولت ها باید این دادگاه را بپذیرند تا دعاوی فیمابین را به آن ارجاع کنند، فکر نمی کنم که دولت عربستان از این قانون تمکین کند و چنین کاری را انجام دهد. وی اضافه کرد: از منظر داخلی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران می تواند در داخل کشور شعبه ای را برای اقامه دعوا علیه دولت عربستان اختصاص دهد و می تواند به سفارت دولت عربستان که در تهران است ابلاغ کند که در دادگاه حضور یابد؛ زیرا مهم این است که دولت جمهوری اسلامی در قبال شهروندان خود احساس مسئولیت داشته باشد، البته ناگفته نماند که از اموال دولت عربستان در داخل کشور نیز می توان برای جبران خسارت وارده در قبال حادثه منا استفاده کرد. احمدی‌نیاز با بیان اینکه که کمیته حقیقت یاب برای بررسی این حادثه تشکیل شود، گفت: اگر این کمیته اعلام کرد که به علت ازدحام جمعیت این حادثه اتفاق افتاده همه باید آن را قبول کنند ولی سئوال این است که چه دلیلی وجود دارد که دولت عربستان با تشکیل این کمیته مخالفت می کند؟ مسلما این حادثه به سوء مدیریت کشور عربستان مربوط است که مسئولیت بین المللی این دولت را در قبال تمام جان باختگان و دولت های قربانیان و پی خواهد داشت.

دفن ۱۷ نفر از مفقودان حادثه منا در مکه

رئیس سازمان حج و زیارت گفت: تا این لحظه ۱۷ نفر از جان‌باختگان ایرانی فاجعه منا در میان ۴۵۰ نفر دفن‌شده در مکه هستند. بنابراین تعداد مفقودین به ۴۸ نفر رسید. سعید اوحدی در گفتوگو با فارس، در خصوص جلسه شب گذشته با مقامات سعودی که به منظور پیگیری وضعیت مفقودان ایرانی حادثه منا برگزار گردید، گفت: روز گذشته دو جلسه نسبتا طولانی با مسئولین اجرایی عربستان داشتیم و این جلسات امروز نیز ادامه خواهد داشت تا به جمع بندی روشنی نسبت به وضعیت مفقودین حادثه منا دست یابیم. وی افزود: در جلسه دیشب در ابتدا موضوع دفن مفقودین حادثه منا در میان آن ۴۵۰ زائر دفن شده در مکه مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس پرونده هایی که امروز در پزشکی قانونی و در استانداری مکه دیدیم مشخص شد که تا این لحظه ۱۷ نفر از جان باختگان فاجعه منا در میان آن ۴۵۰ نفر هستند. رئیس سازمان حج و زیارت در این خصوص اعلام کرد: از این ۱۷ زائر ایرانی ۱۲ نفر با تشخیص هویت کامل یعنی ملیت ایرانی بودن و مشخصات فردی دفن شده اند اما ۵ نفر از آنان تابعیت ملیت ایرانی بودن آنان مشخص است و هویت فردی آنان مشخص نیست که البته در خصوص آن ۱۲ نفر اطلاع رسانی کامل به خانواده های بزرگوارشان صورت خواهد گرفت. وی اظهار داشت: در خصوص ۴۸ تن دیگر از مفقودان ایرانی فاجعه منا نیز که همچنان اطلاعاتی از آنها در دست نداریم قرار شد بعد از جلسه امروز موضوع از طریق کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در جده بصورت رسمی طی نامه ای به امور خارجه و وزارت کشور و وزارت بهداشت عربستان اعلام شود که البته ما نیز به عنوان سازمان حج و زیارت با وزارت حج عربستان مکاتبه می کنیم تا بصورت جدی پیگیر تعیین وضعیت این ۴۸ نفر باشند.

آخرین وضعیت جسمانی زائر زنجانی مشکوک به کرونا ویروس

رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی استان زنجان گفت: حال زائر زنجانی مشکوک به کرونا ویروس خوب است و جای هیچ‌گونه نگرانی در این زمینه وجود ندارد. علیرضا بیگلری در حاشیه همایش نوجوان، ایمنی و سلامت، در جمع خبرنگاران با اشاره به وضعیت حجاج زنجانی، اظهار کرد: با توجه به شرایط ویژه‌ای که در مراسم حج امسال شاهد بودیم تمهیدات و اقدامات بهداشتی و درمانی لازم برای ورود حجاج به استان اندیشیده شده بود که روز گذشته اولین گروه حجاج زنجانی وارد استان شده و در همان ابتدای ورود مورد بررسی قرار گرفتند که در این بین یک نفر مشکوک به کرونا ویروس شناسایی و به ستاد عملیاتی بیمارستان ولیعصر (عج) منتقل شد که خوشبختانه مشکل خاصی در این زمینه وجود ندارد و تنها بنابر احتیاط فرد شناسایی شده در بیمارستان بستری شده است.

وی افزود: صبح امروز نیز از این زائر زنجانی عیادت کرده و حال عمومی وی خوب است و مردم نگرانی خاصی در این خصوص نداشته باشند. همچنین نتایج آزمایش‌های صورت گرفته تا پایان امروز در دست خواهد بود. در ضمن وضعیت حجاج به طور کلی از آنچه که تصور ما بود خیلی بهتر است، زیرا اقدامات بهداشتی و آموزش‌های مورد نیاز از عربستان و داخل کاروان‌ها آغاز شده بود. این مسئول با اشاره به رعایت نکات بهداشتی از سوی حجاج و سایر مردم، تصریح کرد: اگر مردم به نکات بهداشتی گفته شده توجه لازم را داشته باشند و رعایت آن‌ها را جدی بگیرند مشکلی پیش نخواهد آمد و این شرایط را به خوبی و با آرامش پشت سر خواهیم گذاشت. بیگلری با اشاره به اینکه در آستانه ماه محرم قرار داریم، عنوان کرد: طبق روال هر سال تمهیدات لازم برای این ماه اندیشیده شده است، به طوری که برنامه جامعی در این زمینه طرح‌ریزی شده، زیرا بسیاری از عاشقان اباعبدا...الحسین (ع) برای عرض ارادت به عتبات عالیات سفر خواهند کرد. همچنین در راستای رعایت نکات بهداشتی در حوزه توزیع نذورات نیز اقدامات قابل توجهی در نظر گرفتیم، در ضمن برای کمک به مسائل بهداشتی در استان‌ها مرزی به عنوان استان معین از آمادگی لازم برخوردار هستیم.

بدون گذرنامه و ویزا، سفر به عتبات عالیات ممنوع

فرمانده انتظامی استان ایلام گفت: سفر به عتبات عالیات بدون ویزا و گذرنامه هرگز انجام نمی شود. سردار علی دولتی با تأکید بر لزوم راه اندازی کنسولگری عراق در استان ایلام، همراه داشتن گذرنامه و ویزا را از شرایط اصلی سفر زائران به عتبات عالیات عنوان کرد. وی اظهار داشت: همراه داشتن گذرنامه و ویزا شرط اصلی برای خروج زائران عتبات عالیات از مرز مهران است. وی ادامه داد: طی رایزنی های انجام شده، مسئولان عراقی بر این نکته تأکید کرده اند که به بدون اسناد معتبر شامل گذرنامه و ویزا از پذیرش زائران در ایام اربعین به شدت جلوگیری می کنند. فرمانده انتظامی استان ایلام، با تأکید بر لزوم بازگشایی دفتر کنسولگری عراق در استان ایلام گفت: برای کاستن از مشکلات زائران عتبات عالیات دایر کردن این دفتر در استان ایلام ضروری به نظر می رسد. دولتی در ادامه برلزوم اطلاع رسانی دقیق و شفاف رسانه ها به مردم تأکید کرد و گفت: رسانه ها باید ضمن اخذ اخبار دقیق از مبادی مطمئن با شفاف سازی از بروز شایعات در فضای رسانه ای کشور در موضوع سفر زائران عتبات عالیات جلوگیری کنند. سردار دولتی با تأکید بر آمادگی کامل نیروی انتظامی برای اربعین تصریح کرد: اقدامات خوبی در راستای بهبود زیرساخت های استان در راستای اربعین حسینی انجام شده است که هر چند کافی به نظر نمی رسد ولی نسبت به سال گذشته با آمادگی بیشتری به استقبال اربعین خواهیم رفت.

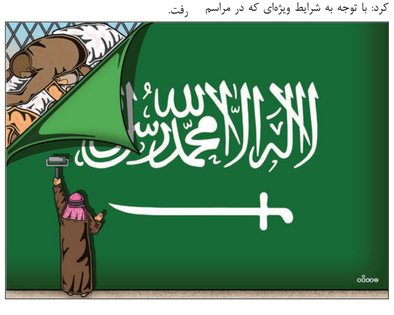

نگاه

حج عمره همچنان در تعلیق می ماند

دولت سعودی با بی‌تدبیری و سهل‌انگاری نمی‌تواند حج را خوب اداره کند شناسایی اجساد باقی مانده باید از طریق آزمایش «دی‌ان‌ای» و پیگیری‌های تخصصی پزشکی انجام شود. به گزارش روزنامه ایران پرونده حج تمتع که اول شهریور ماه امسال گشوده شده بودروز شنبه ۲۵ مهر ماه با آخرین پرواز حجاج به ایران بسته می شود و به این ترتیب تنها گروه ویژه عملیات تجسس و تفحص و اجساد ۶۵ زائر مفقودی در مکه باقی می مانند. سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت در این باره می‌گوید: ۹ هزار زائر باقیمانده در مدینه تا روز شنبه ۲۵ مهرماه جاری به ایران برمی گردند و پرونده حج امسال بسته می‌شود اما هنوز سرنوشت ۶۵ زائر ایرانی مفقود شده در فاجعه منا مشخص نشده است. وی می‌افزاید: نمی‌توان زمان مشخصی برای روشن شدن وضعیت این تعداد زائر مشخص کرد چون دیگر کار میدانی جواب نمی‌دهد و همان‌طور که وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ملاقات با مراجع عظام به آن اشاره کردند به دلیل گذشت زمان، چهره اجساد تغییر فیزیکی کرده و دیگر قابل شناسایی نیستند و باید کار شناسایی آنها در یک سطح تخصصی و از طریق آزمایش «دی‌ان‌ای» و پیگیری‌های تخصصی پزشکی انجام شود. اوحدی درباره علت تأخیرانتقال اجساد ۸۷ زائر به ایران معتقد است: وقتی می‌خواهند اجساد را از سردخانه ترخیص کنند نیاز به تطبیق روادید با جسد است که به دلیل سخت بودن کار شناسایی، روند ترخیص به کندی صورت گرفته و این تعداد اجساد با تأخیر دیروز به تهران انتقال یافتند. رئیس سازمان حج وزیارت می‌گوید:اجسادی که دفن می‌شوند مربوط به زائران کشورهای دیگر است و دولت عربستان به ایران قول داده است که هیچ یک از اجساد ایرانی را دفن نکند البته وی به این نکته نیز اشاره کرد که همه اجسادی که دفن می‌شوند پیکرهایی هستند که شناسایی شدند، البته تا زمانی که ویرای گروه تفحص ایران اعتبار داشته باشد به کار خود در مکه ادامه خواهیم داد. اوحدی درباره اینکه چه تعداد خانواده به دفن اجساد نزدیکان خود رضایت داده‌اند پاسخ می‌دهد: تاکنون ۶ خانواده با درخواست دفن اجساد بستگان‌شان در مکه موافقت کردند.

دولت سعودی باید در شیوه برگزاری حج تجدید نظر کند

حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی قاضی عسکر، سرپرست حجاج ایرانی نیز در گفت و گو با ایرنا با انتقاد از شیوه مدیریت حج در این باره می‌گوید: دولت سعودی با بی‌تدبیری، سهل‌انگاری و روش‌های سنتی نمی‌تواند حج را خوب اداره کند، بنابراین با

آیت ماندگار
AYATEMANDEGAR

چهار فصل

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیرحسین مصلی
- مدیرهنری: عالیه اعتمادیان
- همکاران: علیرضا آقائی راد، یغما فشخامی، حامد محمدی
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲
- تلفکس: ۴-۸۸۶۱۰۰۷۰
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پذیرش آگهی: ۸۸۶۱۰۰۷۱

نشان ماندگار

و ملکِ مروارید آرمیده و مرجان و ماهی سپرده به تقدیر را
نصیبی نرسید - جز این شیار کف آلود.

ابراهیم گلستان

دیدگاه

اخلاق در سیاست

امیرمهدی جلایری
فعال سیاسی

یکی از کهن ترین و در عین حال جدی ترین مسایل در سیاست، بیان نسبت اخلاق با سیاست است. بدون شک هر آنچه در سطح فردی اخلاقی است، در سطح اجتماعی و سیاسی و برای دولتمردان نیز اخلاقی می باشد و هر آنچه برای یکایک شهروندان غیراخلاقی است، برای حاکمیت نیز غیراخلاقی به شمار می رود. اگر دروغ برای افراد بد است، برای حاکمیت نیز بد است و اگر شهروندان نیز باید صداقت پیشه کنند، حکومت نیز باید به مانند مردم صداقت پیشه کند. لذا هیچ حکومتی نمی تواند در عرصه سیاست، خود را مجاز به ارتکاب اعمال غیراخلاقی بداند و مدعی شود که این کار، لازمه سیاست و از الزامات اقدام سیاسی است یا وانمود نماید که به اخلاق پایبند است در حالیکه تظاهر نماید برای عوام فریبی، این قاعده هیچ استثنایی ندارد. از این منظر، اخلاق مقدمه سیاست و درآمد آن به شمار می رود و سیاست، وسیله تحقق و اجرای فضایل اخلاقی است. اهل قدرت در گذشته اگر می خواستند شخصی مسوول و صاحب اخلاق را پیدا کنند، ابتدا به خانواده و پیشینه تربیتی اش نگاه و توجه می کردند. به عبارت بهتر آنها علاوه بر تشخیص استعدادهای فردی شخص مورد نظر، به وضعیت خانوادگی وی نیز می نگریستند. از سویی دیگر نگاه افلاطون و ارسطو به دو مقوله اخلاق و سیاست، اینگونه بوده است، چرا که آنان معتقد بودند که: «بین دولت و جامعه یا اقتصاد و سیاست یا اخلاق و سیاست یا دین و سیاست و یا فرهنگ و سیاست، فرقی نیست. انسان، یعنی شهروند. هر فعالیتی در جامعه توسط شهروندان، دارای ماهیت سیاسی است. در بینش امام علی(ع) نیز حکومت و حاکمیت امانتی است نزد نخبگان و حاکمان که می‌بایست از آن جهت بسترسازی و ایصال به کمال و سعادت انسان استفاده شود. به نحوی که هرگونه دخل و تصرف و سوء استفاده از قدرت برای ارضای غرایز نفسانی و منافع شخصی مورد نکوهش قرار گرفته است. ازدیدگاه امام علی(ع) یگانه راه پیشرفت و سعادت انسان‌ها در زندگی سیاسی این است که باید مولفه‌ها و آموزه‌های اخلاقی را در حوزه سیاست وارد کنند. در نهایت ایشان از یک «سیاست اخلاقی» دفاع می‌کند. امروزه نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان مدلی موفق از حکومت اسلامی بهترین خاستگاه عملی نمودن اخلاقی ترین سیاست در بین نظامات سیاسی دیگر است. مطمئنا حکومت ایده آل اسلامی، حکومتی خواهد بود که همه کارگزاران و عناصر آن در رعایت و به کارگیری اخلاق در همه عرصه های سیاسی و کشورداری پیشتاز بوده و ادعای اخلاقی بودن از ظاهر و گفتار به عمل و کردار سرایت کند. متاسفانه خیانتی که برخی سیاست مداران به ظاهر دین دار در طول تاریخ به جامعه اسلامی و مردم کردند این بود که با دوری از اخلاق در سیاست، فی الواقع دین را ابزاری برای دنیاطلبی های خود دیدند. حال سوال اینجاست، آیا پس از انقلاب اسلامی فکری برای احیای اخلاق در سازمان های کشور کرده ایم؟ یا کماکان دچار این وهم هستیم که با دیکته کردن دستورالعملها می توان بدنه حکومت را آغشته به اخلاق حسنه کرد، روندی که خود اخلاق را وسیله ای برای کسب قدرت کرد. روزگاری بود که حضرت رسول(ص) می فرمودند من برای کرامت اخلاقی مبعوث شده ام. در آن روزگاران کرامت آدمی با پیشینه اخلاقی اش پیوند داشت.

گالری

مهران مبصری
کارتونیست

یادآوری

کندو کاو شفیعی کدکنی در شعر حافظ

در بخش مقالات کتاب «این کیمیای هستی» که ولی!... درودیان آن را گردآوری کرده است پرسش اصلی دکتر شفیعی کدکنی این است که آیا می‌توان تلقی حافظ از هنر شعر را در دوره‌های زندگی ادبی او شناسایی و دسته‌بندی کرد؟ کدکنی می‌نویسد: «اگر این کار عملی شود، حداقل سودی که از آن حاصل می‌شود، پاسخ دادن به این نکته است که به هنگام خواندن شعر حافظ، ترجیح گروهی از نسخه‌ها را بر گروهی دیگر، بر اساس تکامل مبانی جمال‌شناسی شعر او، توجیه کنیم و نه صرفا قدمت چند سال کتابت نسخه‌ای از دیوان او»
شفیعی در ادامه جستارش به بررسی «تکامل مبانی موسیقایی شعر حافظ» می‌پردازد و شیفتگی و دلبستگی حافظ به موسیقی کلمات را عامل تکامل هنری او بر می‌شمارد. چاپ دوباره یادداشت مفصلی از دکتر شفیعی کدکنی در کتاب دیگر او تصحیح «اسرار التوحید» است. در آن نوشته، کدکنی به یکی از رسوم اهل خانقاه اشاره می‌کند که در شعر حافظ از آن به «خرقه سوزی» تعبیر شده است. مقاله «خرقه و خرقه‌سوزی» نه تنها خواننده را با یکی از تعبیرات شعر حافظ آشنا می‌کند، بلکه به شناخت او از آیینی که در میان متصوفه رایج بوده است، یاری می‌رساند. از این راه خواننده گوشه‌ای از فرهنگ گذشته را نیز درمی‌یابد. مصراع مشهور حافظ «بشوی اوراق اگر همدرس مایی» زمینه جست‌وجوی دیگر دکتر کدکنی برای یافتن معنای کنایی آن مصرع و پیشینه کاربرد چنین تعبیری در ادبیات پیش از حافظ است. کدکنی می‌نویسد که شستن اوراق درس، نزد صوفیه، در آغاز امری شخصی بوده است؛ اما بعدها تبدیل به شیوه ای برای مبارزه با اندیشه‌های فلسفی شده است.

نکته‌بینی کدکنی و یافتن معنای درست اشاره‌هایی که در شعر حافظ یا سرگذشت او آمده است، به آنجا می‌رسد که درباره سخن گردآورنده دیوان او، به کندوکاو بپردازد و حاصل یافته‌هایش را در جستار کوتاه «درباره شهید بودن حافظ» عرضه کند. این اصطلاح (شهید) در مقدمه کهن دیوان حافظ به کار رفته است.

مشاعره

حجّ مقبـول

از منا یا کربلا باید نوشت
از جدایی ها، جدا باید نوشت
از مدینه از علی یا فاطمه
از فُرات و نینوا باید نوشت
از جدائیهای یاران در طواف
بستن راه و هوا باید نوشت
بر خود ابلیس باید سنگ زد
خادمان کعبه را باید نوشت!
بهر لبیک آمدن یا پر زدن
از عروج لاله ها باید نوشت
حجّ تو از خود بریدن بود و شد
از رهایی یا رها باید نوشت
از کفن پوشان مانده در منا
زین همه سعی و صفا باید نوشت
از دریغ آب تا لب تشنگی
از حسین و بچه ها باید نوشت
کی توان حاصل تو را ترسیم کرد؟
از دل این ماجرا باید نوشت
واژه ها بارانی درد توانَد
از حریم واژه ها باید نوشت!
با چنین گستاخی شیطان دگر
از یمن یا از منا باید نوشت

صدیقه شاداب نیک

سخن روز

چرا مداحان حرف مراجع را نمی خوانند؟

امیرحسین مصلی
سردبیر

بی اخلاقی های مرسوم در فضای سیاسی کشور از جمله بی ادبی های گاه و بی گاه برخی از به اصطلاح سیاستمداران در قبال عقاید مغایر با عقیده خویش بی گمان طی یک دهه اخیر بدل به اپیدمی مزمن شده است که به هیچ عنوان سنخیتی با فرهنگ ایرانی اسلامی این مرز و بوم ندارد. اما پر بیراه نیست که بگوییم این ناهنجاری مهلک در اخلاق سیاسی کم و بیش بر دیگر ارکان جامعه نیز آثار مخربی بر جا گذاشته است. تاسف آور است که بگوییم اشاعه این خصلت ناپسند از سوی برخی از سیاسیون باعث آن شده تا استفاده از الفاظ ناشایست در له و علیه جریان ها و گروه های سیاسی با سو استفاده از اعتقادات مذهبی مردم به پای منابر در مساجد و تکایای عزاداری های ماه محرم نیز کشیده شده است. آن هم به واسطه صحبت های مداحان کم دانش و علامه دهر پندار!
به راستی علت این امر چیست؟ مگر اخیرا مراجع تقلید از جمله آیت ا... مکارم شیرازی، مداحان را از ورود به بحث های سیاسی در ایام عزاداری سالار شهدا اباعبدا... الحسن(ع) منع نکردند؟ پس چرا گوش برخی از این مداحان به این نصایح بدهکار نیست و از آن بدتر برخی از چهره های سیاسی نیز با دعوت از مبلغان مذهبی جهت روشنگری پیرامون انتخابات آینده در ایام محرم ناخواسته در آتش این تنور می دمند تا کمافی السابق امسال هم در مراسم های عزاداری بجای ذکر مصیبت اهل بیت(ع) صحبت از نقد برجام و لیست انتخاباتی به نفع جناحی خاص به میان آید و در این بین با استفاده از کلماتی کاملا بی مایه، شان و منزلت و همچنین حرمت این روزها و شب های عزیز نادیده گرفته شود! بی شک این موضوع می تواند از یک سو پیامدهای منفی در میان قشر متدین جامعه ایجاد کند و از سوی دیگر نتیجه ای جز دین گریزی جوانان در پی نداشته باشد. حال با توجه به این شرایط آیا بهتر نیست تا مسوولین و افراد صاحب نفوذ نیز بسان مراجع محترم، مداحان و مبلغین دینی را از ورود به مباحث سیاسی آن هم به این شکل سخیف در اماکن مقدس و مناسبت های مذهبی بر حذر دارند و حتی در صورت بروز چنین تخلف هایی با آنان برخورد قاطعی داشته باشند تا کمتر شاهد چنین بی اخلاقی هایی در سطح جامعه باشیم؟

دستاورد

از بداخلاقی سیاسی بدخیم تا اخلاق ناب سیاسی

ابوالفضل زاهدی پور
روزنامه نگار

اخلاق از جمله اسامی معنایی است که بروز و ظهور آن در هر جامعه ای به ثبات و امنیت بنیاد آن جامعه کمک شایانی می کند. اصلی ترین عامل گرمی کانون خانواده، وجود اخلاق رشد یافته است وگرنه گرمی آن به زودی به سردی می گراید. حال دایره یک خانواده را بزرگتر کنید و آن را به مردم یک توده، روستا، شهر، استان و کشور تعمیم دهید. اگر این خانواده بزرگ که در دنیای سیاست از آن به عنوان جامعه یاد می شود دارای اخلاق تکوینی باشد همانا جامعه مسیر صحیح و سالم و با ثبات را در پیش رو خواهد داشت و شهروندان آن شاهد شکوفایی و ظهور مدینه فاضله ای خواهند بود که همواره تجلی آن را آرزو می کردند. شکل گیری چنین جامعه ای که در این سطح از پیشرفت و توسعه باشد ماحصل رفتار صحیح و پرتلاش حاکمان و اعتماد بین آنان و مردم سرزمینشان و حصول چنین نتیجه مبارکی می باشد.
بدیهی است شاکله اخلاق مردم جامعه در اثر اخلاق سران جامعه ساخته شده است. هر قدرکه سران جامعه در رفتار سیاسی و حکمرانی و کشورداری از اخلاق ارجحی برخوردار باشند به همان میزان جامعه نیز از سلامت رفتاری فزاینده ای برخوردار است.
نقطه مقابل آن و بداخلاقی های پیچ در پیچ توده جامعه که گاها زنگ خطر انحطاط اخلاقی را به صدا در می آورد جایی است که شاهد بدرفتاری و بداخلاقی سیاسی بین دولتمردان و کشورداران یک حکومت هستیم. این مساله در دهه گذشته بیشتر از هر وقت دیگر در کشورمان نخ نما شده بود. دروغ گویی، اتهام ناروا، رجزخوانی های خارج از عرف سیاسی و دیپلماتیک، ادبیات سخیف نزد مردان دیپلمات و رسواسازی های شعاری، بگم بگم های غیراخلاقی و ... نمونه ای واضح از خارج شدن لباس اخلاق از تن دولتمردانی بود که سعی داشتند با خود برتر بینی و رفتار پوپولیزم خود را حق و محق نشان دهند. رفتاری که حکایت از یک بداخلاقی سیاسی از نوع بدخیم داشت.
این رفتار که حداقل دوره ای هشت ساله را بطور رسمی میزبانی می کرد خود بخود در جامعه تاثیر خود را نمایان ساخته بود. پرخاشگری بی حد و حصر، بداخلاقی های کاری و الگوپذیری از بگم بگم های سیاسی در کف جامعه و بروز آن در پهنه گفتمان ها و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و ... چنان شد که جامعه در میان ابتلا به تحریم اقتصادی(که خود محصول بخشی از بداخلاقی های سیاسی بین المللی بود) به حدی از سقوط بداخلاقی برسد که انحطاط و ابتذال اخلاقی را در توده مردم بیش از هر زمان دیگر شاهد باشیم. انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و پیروزی روحانی، مهمترین دستاوردش در صحنه سیاست و بدنبال آن اجتماع، دور کردن و برائت از انحطاط و ابتذال اخلاق سیاسی بود. این اعلام برائت ابتدا در رفتار عملی دولتمردان به منصه ظهور نشست. صداقت و راستگویی، بکار بردن ادبیات صحیح و در شان ملت ایران و جهان، آرامش در اخلاق سیاسی و به دنبال آن آرامش در سطح جامعه را به بار آورد و ایران را از یک بداخلاقی از نوع بدخیم نجات و به یک محمل و الگوی اخلاق ناب سیاسی بدل گردید.
و اینک کشور ایران با عزت و غرور ملی در نزد جهانیان با اصلاح الگوی اخلاق سیاسی و مدنی، تمدن و فرهنگ اصیل و اسلامی خود را به جهانیان عرضه می کند.
این همان حلقه مفقوده ای است که در تعاملات جهانی، ایران هراسی و سایه جنگ بر سر ایران را به ایران دوستی و صلح و آرامش در ایران بدل ساخته است. این حلقه مفقوده همان اخلاق سیاسی است که دولتمردان فعلی ما پرچمداران آن در صحنه داخلی و خارجی هستند.